English grammar

Translator :F.Kargaran (Farhad-Kargaran@yahoo.com)
Editor :M.Alikhani (Bidar1226@gmail.com)

www.EnglishPro.ir زبان پژوه- مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

فهرست

❖ فصل اول: فعل

فعل چیست؟ ۶
تقسیم بندی فعل ۱: Active Voice and Passive Voice ۶
- Active voice ۶
- Passive voice ۷

تقسیم بندی فعل۲: کمکی(Verbs Helping) و اصلی(Verbs Main) ۸
- افعال کمکی (Helping Verbs) ۹
  - افعال کمکی اولیه (Primary Helping Verbs) ۹
  - افعال کمکی کیفی (Modal Helping Verbs) ۱۰
- افعال اصلی (Main Verbs) ۱۲
  - افعال حرکتی و وضعیتی (Dynamic and Stative Verbs) ۱۲
  - افعال باقاعده و بی قاعده (Regular and irregular verbs) ۱۲
  - افعال پیوندی (Linking Verbs) ۱۳
  - افعال متعدی (Transitive) و لازم (Intransitive) ۱۳

لیست افعال باقاعده ۱۳
لیست افعال بی‌قاعده ۱۴

❖ فصل دوم: شرط

شرطها (Conditionals) ۲۰
اولین شرط (First Conditional) ۲۰
دومین شرط (Second Conditional) ۲۱
سومین شرط (Third Conditional) ۲۲
شرط صفر (Conditional Zero) ۲۳
خلاصه شرطها ۲۳

❖ فصل سوم: سؤال

ساختار اصلی سؤال (Basic Question Structure) ۲۴
انواع اصلی سؤال (Basic Question Types) ۲۴

❖ فصل چهارم: going to

قصد (Intention) ۲۶
پیش بینی (Prediction) ۲۶
زمان حال ساده برای زمان بندی (Present Simple for schedule) ۲۶
زمان حال استمراری برای برنامه ریزی (Present continuous for plan) ۲۷
خلاصه ۲۷

❖ فصل پنجم: افعال اسمی

افعال اسمی (Gerunds) ۲۸
افعال اسمی به عنوان فاعل، شیء و یا تکمیل کننده (Gerunds as Subject, Object or Complement) ۲۸

افعال اسمی پس از حروف اضافه (Gerunds after Prepositions) ۲۸
افعال اسمی پس از افعال اصلی (Gerunds after certain verbs) ۲۹
افعال اسمی در حالت تأثیر پذیری. (Gerunds in Passive sense) ۳۰

❖ فصل ششم: افعال چند کلمه ای

افعال چند کلمه ای (به لفظ عامهافعال عبارتی (Phrasal Verbs)) ۳۱
افعال عبارتی (Phrasal Verbs) ۳۱
افعال عبارتی جداشدنی (Separable Phrasal Verbs) ۳۲
افعال اضافی (Prepositional Verbs) ۳۲
افعال اضافی - عبارتی (Prepositional Verbs-Phrasal) ۳۳

❖ فصل هفتم: زمان‌ها

گذشته(past)

زمان گذشته استمراری (Continuous Tense Past) ۳۴
- ساختار زمان گذشته استمراری ۳۴
- چطور می توانیم از این زمان استفاده کنیم ۳۴

زمان گذشته حال کامل استمراری (Past Perfect Continuous Tense) ۳۶
- ساختار زمان گذشته حال کامل استمراری ۳۶
- چگونه از زمان گذشته کامل استمراری استفاده کنیم ۳۷

زمان گذشته کامل (Past Perfect Tense) ۳۷
- ساختار زمان گذشته کامل ۳۷
- چطور می توانیم از این زمان استفاده کنیم ۳۸

زمان گذشته ساده (Simple Past Tense) ۳۹
- ساختار زمان گذشته ساده ۳۹
- چطور می توانیم از این زمان استفاده کنیم ۴۰

حال(present)

زمان حال استمراری (Present Continuous Tense) ۴۲
- ساختار زمان حال استمراری ۴۲
- چه وقت و چرا باید از زمان حال استمراری استفاده کنیم ۴۲
- افعال ing دار را در زمان حال استمراری چگونه هجی (Spell) کنیم ۴۳

زمان حال کامل استمراری (Perfect Continuous Tense Present) ۴۴
- ساختار اصلی زمان حال کامل استمراری ۴۴
- چطور از زمان حال کامل استمراری استفاده کنیم ۴۵

زمان حال کامل (Present Perfect Tense) ۴۵
- ساختار زمان حال کامل ۴۵
- کی و چرا از زمان حال کامل استفاده کنیم ۴۷
- For و Since در زمان حال کامل و تفاوتهای آنها ۴۹

زمان حال ساده (Simple Present Tense) ۴۹
- چطور از زمان حال ساده استفاده کنیم ۴۹
- ساختار اصلی زمان حال ساده ۴۹

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

آینده(future)

زمان آینده استمراری (Future Continuous Tense) ۵۲
- ساختار زمان آینده استمراری ۵۲
- چگونه از زمان آینده استمراری استفاده کنیم ۵۳

زمان آینده کامل استمراری (Future Perfect Continuous Tense) ۵۳
- ساختار زمان آینده کامل استمراری ۵۳
- چطور از زمان آینده کامل استمراری استفاده کنیم ۵۴

زمان آینده کامل (Future Perfect Tense) ۵۴
- ساختار زمان آینده کامل ۵۴
- چطور از زمان آینده کامل استفاده کنیم ۵۵

زمان آینده ساده (Simple Future Tense) ۵۵
- ساختار زمان آینده ساده ۵۵
- چگونه از زمان آینده ساده استفاده کنیم ۵۶

❖ فصل هشتم: اسم

اسم‌ها ۵۸

اسمها چه هستند ۵۸
- پایان اسمها (Noun Endings) ۵۸
- محل قرار گیری اسمها (Position in Sentence) ۵۸
- وظیفه اسم (Functions) ۵۹

اسمهای شمارا و غیر قابل شمارا (Countable Nouns, Uncountable Nouns) ۵۹
- اسمهای شمارا ۵۹
- اسمهای غیر قابل شمارا ۶۰
- اسمهایی که می توانند هم شمارا و هم غیر قابل شمارا باشند ۶۱

اسمهای مشخص (Proper Nouns) ۶۱
- به کارگیری حروف بزرگ برای اسمهای مشخص ۶۱
- اسمهای مشخص بدون The ۶۲
- اسمهای مشخص با The ۶۳

ملکی یا مضاف الیه (حالتی که تعلق داشتن به شخص یا چیزی را می رساند). (Possessive 's) ۶۴
- ملکی یا مضاف الیه کردن اسم های مشخص (نام ها) ۶۴
- ملکی یا مضاف الیه کردن اسمهای جمع بی قائده ۶۵

❖ فصل نهم: صفت

صفتها (Adjectives) ۶۶

صفات اشاره یا محدود کننده (Determiners) ۶۶
- حروف تعریف An،A ویا The ۶۶
- Each و Every ۶۷
- Some و Any ۶۸

ترتیب صفات (Adjective orders) ۶۹
- صفت قبل از فعل: (Adjective before nouns) ۶۹
- صفت بعد از فعل (verbs Adjective after certain) ۷۰

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

صفات مقایسه ای (Comparative Adjectives) ۷۰
- ساخت صفت مقایسه ای ۷۱
- طرز به کارگیری صفات مقایسه ای ۷۱

صفات برتر (Superlative Adjectives) ۷۲
- طریقه ساخت صفت برتر ۷۲
- طرز استفاده از صفات برتر ۷۳

❖ **فصل دهم: ضمیر**

ضمیرها (Pronouns) ۷۵
ضمیرهای شخصی (Personal Pronouns) ۷۵

❖ **فصل یازدهم: حروف اضافه**

لیست حروف اضافه ۷۷

❖ **فصل دوازدهم: معنی فعل‌ها در زمان‌های استمراری**

معنی فعل ها در زمانهای استمراری ۷۸
افعالی که در زمانهای استمراری به کار برده نمی شوند ۷۸
افعالی با دو معنای مختلف ۷۸
فعل be و زمانهای استمراری ۷۹

www.EnglishPro.ir زبان پژوه- مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

فعل

فعل چیست:

فعل مهمترین بخش در زبان انگلیسی می باشد، حتی کوتاهترین جملات دارای فعل هستند. شما می توانید یک جمله یک کلمه ای به کمک فعل بسازید مثل: !Stop

برخی از افعال انجام کاری را می رسانند که به آنها Action word می گوییم مانند: fight، run و work

برخی دیگر چنین نیستند و معمولا وضعیت و یا وجود چیزی را می رسانند که به آنها State word می گوییم مانند : be، exist ، seem ، belong

یک فعل همیشه داری فاعل است (کننده کار) مثال:

John speaks English .

در اینجا John فاعل(subject) و speaks فعل می باشد. بنابراین می توانیم بگوییم که افعال کلماتی هستند که به ما می گویند فاعل چه می کند و یا چه هست:

Action: Renaldo plays football.

State :Owen seems kind.

نکته ای که در مورد فعل ها وجود دارد این است که افعال بر خلاف دیگر کلمات (صفات ، قید ها ، حروف اضافه و ...) شکل های مختلفی دارند اگر چه که اسمها نیز دارای دو نوع مفرد و جمع(همراه با s) می باشند.

مثلا فعل to work (کار کردن) دارای پنج شکل است:

to work , work , worked , works , working

تقسیم بندی فعل ۱

Active Voice and Passive Voice:

دو شکل خاص از فعلها وجود دارد که به آن voice می گوییم :

- Active voice
- Passive voice

Active Voice:-۱

در اغلب موارد ما از active voice استفاده می کنیم و بیانگر این است که فاعل (subject) عملی را بر روی شیء یا مفعول (object) انجام می دهد، به عنوان مثال :

Cat eats fish.

cat :Subject or Active object.

eats : Verb

fish :Passive object

در اینجا گربه(فاعل) عمل خوردن را بر روی ماهی (شیء) انجام می دهد.

در Passive voice این فاعل است که تحت تأثیر شیء قرار گرفته و عمل فعل را از شیء می گیرد. به عنوان مثال:

Fish are eaten by cats.
Fish :Subject or Active object
are :Auxiliary Verb
eaten :main verb (past participle)
by معمولا برای معرفی شیء مفعول از این کلمه استفاده می کنیم
cat :Passive object or Active subject

نکته : Active object شیئی است که جمله به خاطر آن ساخته می شود.

۲: Passive voice

ساختار Passive voice بسیارساده می باشد :

Subject +Auxiliary verb (be) + main verb (past participle)

در ساختار فوق منظور از auxiliary verb همان helping verb می باشد.

یاد آوری :

هنگامی که فعل be در غالب فعل کمکی به کار می رود (میدانید که فعل be فعل اصلی نیز می باشد) دو هدف داریم :

۱- make continuous tense

۲- make the passive

فارسی :

۱- کمک به فعل اصلی برای نشان دادن تداوم و پیوستگی عمل

۲- کمک به فعل اصلی برای نشان دادن تأثیر پذیری آن (دریافت عمل از فعل توسط شیء برای شیءفعال)

چند مثال:

subject	auxiliary verb (to be)	main verb (past participle)	
Water	is	drunk	by everyone.
100 people	are	employed	by this company.
I	am	paid	in euro.
We	are	not paid	in dollars.
Are	they	paid	in yen?

چه موقع از Passive voice استفاده کنیم :

- هنگامی که می خواهیم Active object یا همان Subject را مهم جلوه دهیم.
- هنگامی که Passive object را نمی شناسیم.

مثال :

	subject	verb	object
در اینجا می خواهیم Active Object یا President Kennedy را مهم نشان دهیم.	President Kennedy	was killed	by Lee Harvey Oswald.
ما Passive object را نمی شناسیم.	My wallet	has been stolen.	?

نکته :

همانطور که گفتیم معمولا برای معرفی Passive object یا شیء مفعول از لغت by استفاده می کنیم به جمله زیر توجه کنید:

He was killed with a gun.

چرا در این جمله از by استفاده نکردیم؟

به این دلیل که در اینجا gun نقش Passive object یا همان Active subject را ایفا نمی کند چرا که این تفنگ نبوده که او را کشته بلکه تفنگ توسط شخص دیگری به کاربرده شده است. در اصل می شود :

He was killed by somebody with a gun.

صرف Passive voice:

infinitive		to be washed
simple	present	It is washed.
	past	It was washed.
	future	It will be washed.
	conditional	It would be washed.
continuous	present	It is being washed.
	past	It was being washed.
	future	It will be being washed.
	conditional	It would be being washed.
perfect simple	present	It has been washed.
	past	It had been washed.
	future	It will have been washed.
	conditional	It would have been washed.
perfect continuous	present	It has been being washed.
	past	It had been being washed.
	future	It will have been being washed.
	conditional	It would have been being washed.

تقسیم بندی فعل ۲

کمکی(Helping Verbs) و اصلی(Main Verbs)

فعل ها به دو دسته عمده تقسیم می شوند:

افعال کمکی (Helping Verbs)

افعال اصلی (Main verbs)

افعال کمکی:

فرض کنید یک نفر وارد اطاق شما شده و می گوید:

I can .
People must .
The Earth will .

آیا شما چیزی متوجه شدید؟ آیا این شخص توانست با شما ارتباط خوبی برقرار کند؟ قطعا خیر. دلیلش این است که این افعال افعال کمکی هستند و به خودی خود معنایی ندارند. این افعال در ساختار یک جمله نقش مهمی را ایفا می کنند ولی خود به تنهایی چیزی را به ما نمی رسانند.
معمولا افعال کمکی همراه با افعال اصلی به کار می روند و به افعال اصلی کمک می کنند. بنا بر این جملاتی که در مثال بالا مشاهده کردید همگی ناقص هستند و برای کامل شدن به یک فعل کمکی نیاز دارند. در کل تقریبا حدود ۱۵ فعل کمکی در زبان انگلیسی وجود دارد.

افعال اصلی :

حال فرض کنید که همان شخص مجددا وارد اطاق شما شده و بگوید:

I teach .
People eat .
The Earth rotates .

آیا اینبار چیزی متوجه شدید؟ آیا این شخص توانست با شما به خوبی ارتباط برقرار کند؟ احتمالا بلی ولی نه زیاد. دلیلش این است که این افعال افعال اصلی بوده و به تنهایی معنا و مفهومی را می رسانند. البته که هزاران فعل اصلی داریم.
در زیر مثالهایی از جملات را مشاهده می کنید. توجه داشته باشید که همه جملات دارای فعل اصلی هستند ، اما برخی از آنها فعل کمکی نیز دارند.

	helping verb		**main verb**	
John			likes	coffee.
You			lied	to me.
They			are	happy.
The children	are		playing.	
We	must		go	now.
I	do	not	want	any.

افعال کمکی (**Helping Verbs**) :

افعال کمکی به خودی خود معنایی ندارند ولی وجود آنها در ساختار جمله ضروری است. معمولا افعال کمکی را همراه با افعال اصلی به کار می بریم تا به افعال اصلی کمک کنند. در کل حدود ۱۵ فعل کمکی وجود دارد که ما آنها را به دو دسته تقسیم می کنیم:

افعال کمکی اولیه (Primary Helping Verbs)

۱- be همان (am, is و are).
to make continuous tense برای ایجاد زمان فعل به صورت پیوسته مانند :
He is watching TV.(یعنی به فعل اصلی watching کمک می کند که به طور پیوسته و در حال انجام جلوه کند)
to make the passive برای نشان دادن تأثیر پذیری یا کنش پذیری :
Small fishes are eaten by big fishes.
۲- Have:

to make perfect tenses برای ایجاد زمان فعل به صورت کامل شده :
I have finished my homework. (یعنی به فعل اصلی finished کمک می کند تا به صورت عمل تمام شده جلوه کند)

۳- Do :

to make negatives برای منفی کردن : I don't like you.
To make questions برای سوال پرسیدن : Do you want some coffee ?
to show emphasis برای نشان دادن تأکید : I do want you to pass your exam .
to stand for main verbs in some constructions برای پشتیبانی از فعل اصلی در برخی جملات : He speaks faster than she does.

افعال کمکی کیفی (Modal Helping Verbs)

از افعال کمکی کیفی استفاده می کنیم تا بتوانیم به نوعی در کیفیت و معنای افعال اصلی جمله تغییر ایجاد کنیم. این افعال به گونه ای لزوم و یا امکان داشتن را به معنای فعل اصلی اضافه می کنند:

can, could
may, might
will, would
shall, should
must
ought to

مثال:

I can't speak Chinese.
John may arrive late.
Would you like a cup of coffee?
You should see a doctor.
I really must go now.

نکته: به افعال زیر توجه کنید

need
dare
used to

به این افعال افعال نیمه کمکی کیفی(semi -modal verbs) نیز می گویند چون گاها شبیه افعال کمکی کیفی عمل کرده و گاها مانند افعال اصلی.

- از فعل کمکی کیفی Can چه هنگام استفاده می کنیم :

برای صحبت در مورد توانایی و امکان داشتن چیزی.
درخواست کردن.
درخواست اجازه و یا اجازه دادن.
ساختار کلی :

Subject +can +main verb

مثال برای صحبت در مورد توانایی و امکان داشتن :

She can drive a car.

مثال برای درخواست کردن :

Can you put the TV on.
Can you be quiet!

مثال برای درخواست اجازه و یا اجازه دادن :

Can I smoke in this room ?
you can smoke in the room.

- از فعل کمکی کیفی Could چه هنگام استفاده می کنیم :

صحبت در مورد توانایی و یا امکان داشتن چیزی در گذشته.
در خواست کردن.
ساختار کلی :

Subject +could + main verb

مثال برای صحبت در مورد توانایی و یا امکان داشتن چیزی در گذشته :

I could swim when I was 5 years old.
My grandmother could speak seven languages.
Could you understand what he was saying?

مثال برای درخواست کردن :

نکته : معمولا از could جهت درخواست از کسی برای انجام کاری استفاده می شود. که مؤدبانه تر از can است.

Could you tell me where the bank is, Please?
Could you send me a catalogue, please?

- از فعل اصلی Have to چه موقع استفاده کنیم : (التزام شهودی)

هنگامی که می خواهیم ضرورت چیزی را نشان بدهیم از این فعل استفاده می کنیم.
مثال :

Children have to go to school.
In France, you have to drive on the right.

ساختار کلی :

subject + auxiliary verb +have +infinitive (with to)

مثالی دیگر :

I do not have to see a doctor.
I have to see a doctor.
I do have to see a doctor.

تنها فرق جمله دوم با سوم این است که جمله سوم تأکید بیشتر برای دیدن دکتر دارد.

- از فعل کمکی Must چه موقع استفاده کنیم: (التزام ذهنی)

منظور از التزام ذهنی این است که انجام عمل به نظر گوینده لازم و ضروری است ولی در حالتی که از Have to استفاده می کردیم یک التزام کلی و برای همه بود.
ساختار کلی :

subject +must +main verb

چند مثال :

You must visit us soon.
I must call my mother tomorrow.

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

- چه هنگام از Must not یا Mustn't استفاده کنیم :

برای نشان دادن ممنوعیت چیزی از این فعل کمکی استفاده می کنیم.

ساختار کلی :

subject +must not +main verb

مثال :

Passengers must not talk to the driver.
Policeman mustn't drink on duty.
Visitors must not smoke .(present)
I mustn't forget Tara's Birthday.(future)

نکته : از must not نمی توانیم برای زمان گذشته استفاه کنیم. باید از ساختار های دیگر استفاده کرد :

I couldn't park outside the parking.
We were not allowed to enter.

افعال اصلی (Main Verbs) :

افعال اصلی خود به تنهایی رساننده معنا و مفهومی هستند(بر خلاف افعال کمکی). هزاران فعل اصلی در زبان انگلیسی وجود دارد که می توان آنها را به طرق مختلفی دسته بندی کرد:

۱- افعال متعدی (Transitive) و لازم (Intransitive) :

افعال متعدی مستقیما با یک شیء سر و کار دارند ولی افعال لازم اینگونه نیستند. بسیاری از افعال نیز هستند بسته به جمله ای که در آن به کار می روند لازم و یا متعدی هستند مثل speak.

مثال:

Transitive:
I saw an elephant.
We are watching TV.
He speaks English.

همان طور که مشاهده می کنید معمولا افعال متعدی به یک اسم و یا بهتر بگوییم به یک شیءاشاره می کنند که اگر نباشند فعل ناتمام می ماند مثلا در مثال اول اگر an elephant را برداریم می شود : I saw ، این سوال پیش می آید که چه چیزی را دیدم؟ این مورد را با افعال کمکی اشتباه نگیرید چرا که فعل see یک فعل کامل می باشد به طور مثال : I see یعنی من میبینم. ولی شما به هیچ وجه نمی توانید با استفاده از افعال کمکی یک جمله کامل بسازید.

Intransitive:
He has arrived.
John goes to school.
She speaks fast.

در مثال John goes to school چنین به نظر می رشد که goes متعدی است چرا که به school اشاره می کند ولی توجه داشته باشید که چنانچه to school را برداریم یعنی : John goes باز هم جمله کامل است. پس فعل goes یک فعل لازم خواهد بود.

۲- افعال پیوندی (Linking Verbs) :

افعال پیوندی به تنهایی معنایی ندارند و بین فاعل و آنچه که درباره فاعل می گوید پیوند برقرار می کند. افعال پیوندی معمولا نشان دهنده مساوی بودن ، تغییر وضعیت و یا تغییر مکان هستند.

مثال:

Mary is a Teacher .(Mary =Teacher)
Tara is beautiful .(Tara =Beautiful)
The sky became dark (Sky > dark)

۳- افعال حرکتی و وضعیتی (Dynamic and Stative Verbs) :

برخی از افعال یک عمل و یا کاری را می رسانند که به آنها افعال حرکتی می گوییم. این افعال می توانند با continuous tense ها بکار روند. افعال وضعیتی بیشتر نمایانگر وضعیتند تا عمل و یا حرکت. این افعال معمولا نمی توانند با continuous tense ها بکار روند، مگر در چند حالت خاص که با تغییر در معنا نیز همراه خواهد بود.

چند مثال از افعال حرکتی : hit ,fight ,run

چند مثال از افعال وضعیتی : like, love, impress, hear, appear

۴- افعال باقاعده و بی قاعده (Regular and irregular verbs) :

تنها فرق بین افعال با قاعده و بی قاعده اینست که در افعال با قاعده برای زمان گذشته (past tense) و اسم مفعول (past participle) با "ed" ختم می شوند ولی افعال بی قاعده در این دو حالت شکل به خصوصی نداشته و متغیرند.

لیست افعال باقاعده (Regular Verbs) :

در زبان انگلیسی هزاران فعل وجود دارد که در زیر ۶۰۰ فعل پر کاربرد را مشاهده می کنید:

- accept
- add
- admire
- admit
- advise
- afford
- agree
- alert
- allow
- amuse
- analyze
- announce
- annoy
- answer
- apologize
- appear
- applaud
- appreciate
- approve
- argue
- arrange
- arrest
- arrive
- ask
- attach
- attack
- attempt
- attend
- attract
- avoid

- back
- bake
- balance
- ban
- bang
- bare
- bat
- bathe
- battle
- beam
- beg
- behave
- belong
- bleach
- bless
- blind
- blink
- blot
- blush
- boast
- boil
- bolt
- bomb
- book
- bore
- borrow
- bounce
- bow
- box
- brake
- brake
- branch
- breathe
- bruise
- brush
- bubble
- bump
- burn
- bury
- buzz

- calculate
- call
- camp
- care
- carry
- carve
- cause
- choke
- chop
- claim
- clap
- clean
- clear
- clip
- compare
- compete
- complain
- complete
- concentrate
- concern
- confess
- cough
- count
- cover
- crack
- crash
- crawl
- cross

- challenge
- change
- charge
- chase
- cheat
- check
- cheer
- chew
- close
- coach
- coil
- collect
- colour
- comb
- command
- communicate
- confuse
- connect
- consider
- consist
- contain
- continue
- copy
- correct
- crush
- cry
- cure
- curl
- curve
- cycle

- dam
- damage
- dance
- dare
- decay
- deceive
- decide
- decorate
- delay
- delight
- deliver
- depend
- describe
- desert
- deserve
- destroy
- detect
- develop
- disagree
- disappear
- disapprove
- disarm
- discover
- dislike
- divide
- double
- doubt
- drag
- drain
- dream
- dress
- drip
- drop
- drown
- drum
- dry
- dust

- earn
- educate
- embarrass
- employ
- empty
- encourage
- end
- enjoy
- enter
- entertain
- escape
- examine
- excite
- excuse
- exercise
- exist
- expand
- expect
- explain
- explode
- extend

- face
- fade
- fail
- fancy
- fasten
- fax
- fear
- fence
- fetch
- file
- fill
- film
- fire
- fit
- fix
- flap
- flash
- float
- flood
- flow
- flower
- fold
- follow
- fool
- force
- form
- found
- frame
- frighten
- fry

- gather
- gaze
- glow
- glue
- grab
- grate
- grease
- greet
- grin
- grip
- groan
- guarantee
- guard
- guess
- guide

- hammer
- hand
- handle
- hang
- happen
- harass
- harm
- hate
- haunt
- head
- heal
- heap
- heat
- help
- hook
- hop
- hope
- hover
- hug
- hum
- hunt
- hurry

- identify
- increase
- intend
- invite

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

• ignore • imagine • impress • improve • include	• influence • inform • inject • injure • instruct	• interest • interfere • interrupt • introduce • invent	• irritate • itch
• jail • jam	• jog • join	• joke • judge	• juggle • jump
• kick • kill	• kiss • kneel	• knit • knock	• knot
• label • land • last • laugh • launch	• learn • level • license • lick • lie	• lighten • like • list • listen • live	• load • lock • long • look • love
• man • manage • march • mark • marry • match • mate	• matter • measure • meddle • melt • memorize • mend • mess up	• milk • mine • miss • mix • moan • moor • mourn	• move • muddle • mug • multiply • murder
• nail • name	• need • nest	• nod • note	• notice • number
• obey • object • observe	• obtain • occur • offend	• offer • open • order	• overflow • owe • own
• pack • paddle • paint • park • part • pass • paste • pat • pause • peck • pedal • peel • peep • perform	• permit • phone • pick • pinch • pine • place • plan • plant • play • please • plug • point • poke • polish	• pop • possess • post • pour • practice • pray • preach • precede • prefer • prepare • present • preserve • press • pretend	• prevent • prick • print • produce • program • promise • protect • provide • pull • pump • punch • puncture • punish • push

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

- question
- queue

- race
- radiate
- rain
- raise
- reach
- realize
- receive
- recognize
- record
- reduce
- reflect
- refuse
- regret
- reign
- reject
- rejoice
- relax
- release
- rely
- remain
- remember
- remind
- remove
- repair
- repeat
- replace
- reply
- report
- reproduce
- request
- rescue
- retire
- return
- rhyme
- rinse
- risk
- rob
- rock
- roll
- rot
- rub
- ruin
- rule
- rush

- sack
- sail
- satisfy
- save
- saw
- scare
- scatter
- scold
- scorch
- scrape
- scratch
- scream
- screw
- scribble
- scrub
- seal
- search
- separate
- serve
- settle
- shade
- share
- shave
- shelter
- shiver
- shock
- shop
- shrug
- sigh
- sign
- signal
- sin
- sip
- ski
- skip
- slap
- slip
- slow
- smash
- smell
- smile
- smoke
- snatch
- sneeze
- sniff
- snore
- snow
- soak
- soothe
- sound
- spare
- spark
- sparkle
- spell
- spill
- spoil
- spot
- spray
- sprout
- squash
- squeak
- squeal
- squeeze
- stain
- stamp
- stare
- start
- stay
- steer
- step
- stir
- stitch
- stop
- store
- strap
- strengthen
- stretch
- strip
- stroke
- stuff
- subtract
- succeed
- suck
- suffer
- suggest
- suit
- supply
- support
- suppose
- surprise
- surround
- suspect
- suspend
- switch

- talk
- tame
- tap
- taste
- tease
- telephone
- tempt
- terrify
- test
- thank
- thaw
- tick
- tickle
- tie
- time
- tip
- tire
- touch
- tour
- tow
- trace
- trade
- train
- transport
- trap
- travel
- treat
- tremble
- trick
- trip
- trot
- trouble
- trust
- try
- tug
- tumble
- turn
- twist
- type

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

• undress • unfasten	• unite • unlock	• unpack • untidy	• use
• vanish	• visit		
• wail • wait • walk • wander • want • warm • warn • wash	• waste • watch • water • wave • weigh • welcome • whine • whip	• whirl • whisper • whistle • wink • wipe • wish • wobble • wonder	• work • worry • wrap • wreck • wrestle • wriggle
• x-ray			
• yawn	• yell		
• zip		• zoom	

لیست افعال بی قاعده (Irregular Verbs) :

تعداد افعال بی قاعده نیز زیاد است که در زیر پر کاربرد ترین آنها را مشاهده می کنید :

Base Form	Past Simple	Past Participle
awake	awoke	awoken
be	was, were	been
beat	beat	beaten
become	became	become
begin	began	begun
bend	bent	bent
bet	bet	bet
bid	bid	bid
bite	bit	bitten
blow	blew	blown
break	broke	broken
bring	brought	brought
broadcast	broadcast	broadcast
build	built	built
burn	burned/burnt	burned/burnt
buy	bought	bought
catch	caught	caught
choose	chose	chosen
come	came	come
cost	cost	cost
cut	cut	cut
dig	dug	dug
do	did	done
draw	drew	drawn
dream	dreamed/dreamt	dreamed/dreamt

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

drive	drove	driven
drink	drank	drunk
eat	ate	eaten
fall	fell	fallen
feel	felt	felt
fight	fought	fought
find	found	found
fly	flew	flown
forget	forgot	forgotten
forgive	forgave	forgiven
freeze	froze	frozen
get	got	gotten
give	gave	given
go	went	gone
grow	grew	grown
hang	hung	hung
have	had	had
hear	heard	heard
hide	hid	hidden
hit	hit	hit
hold	held	held
hurt	hurt	hurt
keep	kept	kept
know	knew	known
lay	laid	laid
lead	led	led
learn	learned/learnt	learned/learnt
leave	left	left
lend	lent	lent

let	let	let
lie	lay	lain
lose	lost	lost
make	made	made
mean	meant	meant
meet	met	met
pay	paid	paid
put	put	put
read	read	read
ride	rode	ridden
ring	rang	rung
rise	rose	risen
run	ran	run
say	said	said
see	saw	seen
sell	sold	sold
send	sent	sent
show	showed	showed/shown
shut	shut	shut
sing	sang	sung
sit	sat	sat
sleep	slept	slept
speak	spoke	spoken
spend	spent	spent
stand	stood	stood
swim	swam	swum
take	took	taken
teach	taught	taught
tear	tore	torn

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

tell	told	told	wake	woke	woken
think	thought	thought	wear	wore	worn
throw	threw	thrown	win	won	won
understand	understood	understood	write	wrote	written

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

شرط

شرطها (Conditionals) :

در زبان انگلیسی چندین ساختار وجود دارد که به آنها شرطی می گوییم.
شرط (Condition) یعنی موقعیت یا چگونگی بدین معنا که اگر وضعیت خاصی رخ بدهد آنگاه نتیجه خاصی در پی خواهد داشت.

if y =10 then 2y =20

درزبان انگلیسی سه شرط پایه وجود دارد که اغلب از آنها استفاده می کنیم.
ساختار شرطها :
ساختار اغلب شرطها بسیار ساده می باشد. دو حالت کلی وجود دارد که البته به این دو حالت می توانیم کلمات زیادی اضافه کنیم و یا در زمانهای مختلفی بکار ببندیم ولی ساختار اصلی آنها بدین گونه است :

IF	condition	result
IF	y =10	2y =20

یا بدین گونه

result	IF	condition
2y =20	IF	y =10

اولین شرط (First Conditional) :

به اولین شرط " امکان واقعی " یا "Real Possibility" نیز می گویند.
در این حالت ما درباره آینده صحبت می کنیم. ما به یک وضعیت یا موقعیتی خاص در آینده و نتیجه آن فکر می کنیم.
به نظر شما چرا به آن Real Possibility نیز می گویند؟
زیرا در واقعیت امکان آن وجو دارد که وضعیت خاصی که به آن می اندیشیم رخ دهد.
فرض کنید اکنون صبح است. شما در خانه خود نشستید. برای خود برنامه ریزی کرده اید که بعد از ظهر تنیس بازی کنید. ولی هوا ابری است. احتمال می دهید که باران ببارد. شما چه می کنید ؟

IF	condition	result
	present simple	WILL +base verb
If	it rains	I will stay at home.

توجه داشته باشید که ما داریم در مورد آینده فکر می کنیم و هنوز بارانی نباریده است. ولی هوا ابریست و فکر می کنید که امکان دارد باران ببارد. همان طور که در جدول فوق می بینید برای نتیجه وضعیت ما از Will و فعل در حالت پایه استفاده می کنیم.
به مثال های بیشتری توجه کنید:

IF	condition	result
	present simple	**WILL +base verb**
If	I see Mary	I will tell her.
If	Tara is free tomorrow	he will invite her.
If	they do not pass their exam	their teacher will be sad.
If	it rains tomorrow	will you stay at home?
If	it rains tomorrow	what will you do?

مثال های جدول فوق را به گونه ای دیگر نیز می توان بیان کرد :

result	IF	condition
WILL +base verb		**present simple**
I will tell Mary	if	I see her.
He will invite Tara	if	she is free tomorrow.
Their teacher will be sad	if	they do not pass their exam.
Will you stay at home	if	it rains tomorrow?
What will you do	if	it rains tomorrow?

نکته : گاهی اوقات به جای Will از کلماتی چون Can ، Shall و یا may نیز استفاده می کنیم :

If you are good today, you can watch TV tonight.

دومین شرط (Second Conditional) :

به این شرط "امکان غیر واقعی " یا "Unreal Possibility" می گویند .

دومین شرط از جهاتی شبیه به اولین شرط است، ما هنوز به آینده می اندیشیم.

ما به یک وضعیت یا موقعیتی خاص در آینده و نتیجه آن فکر می کنیم.

به نظر شما چرا به آن Unreal Possibility نیز می گویند؟

زیرا در واقعیت امکان رخ دادن وضعیتی که به آن می اندیشیم وجود ندارد، مگر تحت شرایطی خاص.

فرض کنید که شما بلیط Lottery (یک نوع بخت آزمایی) را ندارید. آیا امکان برنده شدن شما در بخت آزمایی وجود دارد؟ به هیچ وجه . ولی شاید شما در آینده یک بلیط Lottery تهیه کنید. پس شما می توانید به برنده شدن در آینده فکر کنید، درست مثل یک رؤیا. واقعی نیست ولی امکان پذیر است.

IF	condition	result
	past simple	**WOULD +base verb**
If	I won the lottery	I would buy a car.

همان گونه که در جدول فوق می بینید برای بیان وضعیت از زمان گذشته ساده استفاده می کنیم و در قسمت نتیجه نیز به جای Will از Would.

چند مثال دیگر در دو حالت مختلف :

IF	condition	result
	past simple	**WOULD +base verb**
If	I married Mary	I would be happy.
If	Ram became rich	she would marry him.
If	it snowed next July	would you be surprised?
If	it snowed next July	what would you do?

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

result	IF	condition
WOULD +base verb		**past simple**
I would be happy	if	I married Mary.
She would marry Ram	if	he became rich.
Would you be surprised	if	it snowed next July?
What would you do	if	it snowed next July?

نکته : گاهی اوقات به جای Would از کلماتی چون : Could، Should و Might استفاده می کنیم:

If I won a million dollars, I could stop working .

سومین شرط (Third Conditional) :

به این شرط "غیر ممکن " یا "no Possibility" می گویند .

اولین و دومین شرط در مورد آینده بودند ولی سومین شرط مربوط به گذشته می شود.

ما به موقعیتی در گذشته فکر می کنیم که رخ نداده است.

به نظر شما چرا به آن no Possibility می گویند؟

زیرا موقعیتی که به آن فکر می کنیم در گذشته رخ نداده و دیگر وقت آن گذشته است.

شما هفته پیش یک بلیط Lottery (بخت آزمایی) خریداری کردید ولی برنده نشدید.

	condition	result
	Past Perfect	**WOULD HAVE +Past Participle**
If	I had won the lottery	I would have bought a car.

نکته : گاهی اوقات به جای Would Have از Could Have، Should Have و Might Have نیز می توان استفاده کرد:

If you had bought a Lottery, you might have won .

به چند مثال توجه کنید :

IF	condition	result
	past perfect	**WOULD HAVE +past participle**
If	I had seen Mary	I would have told her.
If	Tara had been free yesterday	I would have invited her.
If	they had not passed their exam	their teacher would have been sad.
If	it had rained yesterday	would you have stayed at home?
If	it had rained yesterday	what would you have done?

result	IF	condition
WOULD HAVE +past participle		**past perfect**
I would have told Mary	if	I had seen her.
I would have invited Tara	if	she had been free yesterday.
Their teacher would have been sad	if	they had not passed their exam.
Would you have stayed at home	if	it had rained yesterday?
What would you have done	if	it had rained yesterday?

شرط صفر (Conditional Zero) :

وقتی از شرط صفر استفاده می کنیم که نتیجه وضعیت همیشه صحیح و درست باشد، مثل یک حقیقت علمی. مقداری یخ بردارید. آنها در ماهی تابه انداخته و ماهی تابه را داغ کنید. چه اتفاقی می افتد؟ یخ ذوب شده و آب می شود. اگر چنین نمی شد شما تعجب می کردید:

IF	condition	result
	present simple	present simple
If	you heat ice	it melts.

نکته ای که در مورد شرط صفر هائر اهمیت است این است که هر وضعیتی نتیجه خودش را دارد ولاغیر.

تذکر : به جای If می توانید از When نیز استفاده کنید:

When I get up late, I miss my bus .

به مثال های زیر توجه کنید :

IF	condition	result
	present simple	present simple
If	I miss the 8 o'clock bus	I am late for work.
If	I am late for work	my boss gets angry.
If	people don't eat	they get hungry.
If	you heat ice	does it melt?

result	IF	condition
present simple		present simple
I am late for work	if	I miss the 8 o'clock bus.
My boss gets angry	if	I am late for work.
People get hungry	if	they don't eat.
Does ice melt	if	you heat it?

خلاصه شرطها :

در زیر نموداری را مشاهده می کنید که در تجسم شرطها به شما کمک می کند.

probability		conditional	example	time
100%		zero conditional	If you heat ice, it melts.	any time
50%		first conditional	If it rains, I will stay at home.	future
10%		second conditional	If I won the lottery, I would buy a car.	future
0%		third conditional	If I had won the lottery, I would have bought a car.	past

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی



ساختار اصلی سؤال (Basic Question Structure) :

ساختار اصلی سؤال در انگلیسی بسیار ساده است:

auxiliary verb + subject + main verb

auxiliary verb	subject	**main verb**	
Do	you	like	Mary?
Are	they	playing	football?
Will	Anthony	go	to Tokyo?
Have	you	seen	ET?

یک استثناء:

برای فعل be در زمان حال ساده و گذشته ساده نیازی به افعال کمکی نیست :

Statement:	He	**is**	German.
Question:	**Is**	he	German?

انواع اصلی سؤال (Basic Question Types) :

سه نوع سوال اصلی داریم :

سوالهای بلی خیر (Yes/No Questions)سوالهایی که جوابشان فقط بلی و خیر است.

سوالهای کلمه سوال(Question Word Questions).سوالهایی که جواب آنها یکسری اطلاعات است.

سوالهای انتخابی (Choice Questions) سوالهایی که جوابشان در خود سوال هست.

1. Yes/No Questions

auxiliary verb	**subject**	**main verb**		**Answer** Yes or No
Do	you	**want**	dinner?	Yes, I do.
Can	you	**drive**?		No, I can't.
Has	she	**finished**	her work?	Yes, she has.
Did	they	**go**	home?	No, they didn't.
استثناء! زمان حال ساده و زمان گذشته ساده (به فعل کمکی نیازی نیست)				
	Is	Anne	French?	Yes, she is.
	Was	Ram	at home?	No, he wasn't.

2. Question Word Questions

question word	**auxiliary verb**	**subject**	**main verb**		**Answer** Information
Where	**do**	you	**live**?		In Paris.
When	**will**	we	**have**	lunch?	At 1pm.
Who	**did**	she	**meet**?		She met Ram.
Why	**hasn't**	Tara	**done**	it?	Because she can't.
استثناء! زمان حال ساده و زمان گذشته ساده (به فعل کمکی نیازی نیست)					
Where		**is**	Bombay?		In India.
How		**was**	she?		Very well.

3. Choice Questions

auxiliary verb	**subject**	**main verb**		**OR**		**Answer** In the question
Do	you	**want**	tea	or	coffee?	Coffee, please.
Will	we	**meet**	John	or	James?	John.
Did	she	**go**	to London	or	New York?	She went to London.
استثناء! زمان حال ساده و زمان گذشته ساده (به فعل کمکی نیازی نیست)						
	Is	your car	white	or	black?	It's black.
	Were	they	$15	or	$50?	$15.

Going to

قصد (Intention):

از ساختار Going to هنگامی استفاده می کنیم که حتی قبل از صحبت در مورد آن قصد انجامش را داشته باشیم.

به مثال های زیر توجه کنید :

I have won $1,000, I'm going to buy a new TV.
When are you going to go on holiday.

پیش بینی (Prediction) :

گاهی اوقات از Going to استفاده می کنیم تا در مورد آینده پیش بینی داشته باشیم. و در مورد چیزی صحبت می کنیم که احتمال رخداد آن زیاد است. به چند مثال توجه کنید:

The sky is very black, it is going to snow.
It's 8:30 !You're going to miss the train.

از will نیز برای پیش بینی استفاده می کنیم ولی در مواردی که مدرکی برای اثبات آن نداریم :

It will rain tomorrow.

فرض کنید ما این جمله را در حالی گفته ایم که هیچ گونه ابری در آسمان نبوده و هوا آفتابیست. پس برای این پیش بینی مدرکی نداریم، ولی چنانچه هوا ابری باشد می توانیم بگوییم:

It's going to rain tomorrow.

زمان حال استمراری برای برنامه ریزی (Present continuous for plan) :

ما اغلب برای صحبت درباره آینده از زمان حال استمراری استفاده می کنیم. البته که در اصل ما از زمان حال استمراری در مواقعی استفاده می کنیم که عملی در حال انجام باشد ولی چنانچه از کلمات آینده (Future words) نیز استفاده کنیم، خواهیم توانست در مورد آینده نیز صحبت کنیم. منظور از کلمات آینده لغات و یا عباراتی نظیر : tomorrow، next week و یا In June می باشد. کلمات آینده را از روی مفهوم آنها می توان تشخیص داد.

نکته : گاهی اوقات بین قصد (going to) و برنامه ریزی (plan) تفاوتی احساس نمی شود در این گونه موارد فرقی نمی کند که از جمله ای با going to استفاده کنیم یا از حال استمراری :

We're going to paint the bedroom tomorrow.
We're painting the bedroom tomorrow.

توجه داشته باشید هنگامی که از حال استمراری برای بیان آینده استفاده می کنید احتمال رخدادن چیزی که در موردش صحبت می کنیم بیشتر است ، در واقع یک برنامه ریزی صحیح شده و احتمال لغو برنامه ای که با حال استمراری بیان می شود تقریبا ۹۰ درصد است حال آنکه زمانی که از going to استفاده می کنیم این احتمال به ۷۰ درصد می رشد.

Mary is taking her music exam next year.
They can't play tennis with you tomorrow, They're working.

We're going to the theatre on Friday.

زمان حال ساده برای زمان بندی (Present Simple for schedule) :

اغلب برای بیان آینده هنگامی که یک واقعه قرار است اتفاق بیفتد (مثلا در یک جدول زمان بندی) از حال ساده استفاده می کنیم. احتمال رخدادن : تقریبا ۱۰۰ درصد.

به مثال های زیر توجه کنید :

The train leaves New York at 9pm tonight .
Tomorrow is Thursday .

خلاصه :

صحبت کردن و به کار بردن جملات در انگلیسی خیلی بیشتر از آنچه که به نظر می رسند مهم هستند. به عنوان مثال هنگامی می خواهیم در مورد آینده صحبت کنیم، جمله ای که به کار می بریم "دید" ما را نسبت به آینده نشان می دهد، گاها حتی احساسات شخصی مارا.

در جدول زیر به طور تقریبی احتمال رخداد هر یک از ساختارهای ذکر شده را ملاحظه می کنید. این جدول به شما کمک می کند که بهتر در مورد مفهوم آینده فکر کنید :

مثال	هنگام استفاده	ساختار	احتمال رخداد واقعه قبل از صحبت در مورد آن به درصد	
Don't get up .I'll answer the phone.	no plan	will	0%	
We're going to watch TV tonight.	intention	going to	70%	▬▬▬
I'm taking my exam in June.	plan	حال استمراری	90%	▬▬▬▬
My plane takes off at 6.00am tomorrow.	schedule	حال ساده	99.999%	▬▬▬▬▬

افعال اسمی

افعال اسمی (Gerunds) :

وقتی یک فعل با "ing" ختم می شود، آن فعل یا فعل اسمی است و یا preset participle(زمان حال، فرمی از فعل که مانند صفت عمل می کند.)

هنگامی که از فعل ing دار شبیه به اسم استفاده کنیم معمولا Gerunds خواهد بود:

Fishing is fun .

هنگامی که از فعل ing دار شبیه به فعل و یا صفت استفاده کنیم ، معمولا present participleاست:

Anthony is Fishing .

I have a boring teacher .

در این درس نگاهی خواهیم داشت به روشهای مختلفی که از Gerund ها استفاده می کنیم.

افعال اسمی به عنوان فاعل، شیء و یا تکمیل کننده

(Gerunds as Subject, Object or Complement):

مانند هر اسمی افعال اسمی نیز می توانند فاعل، شیء و یا تکمیل کننده جمله باشند:

Smoking costs a lot of money.

I don't like writing.

My favorite occupation is reading.

و همانند فعل می تواند خودش یک شیء داشته باشد. در این حالت تمام عبارت [Gerund+ Object] می تواند فاعل، شیء و یا تکمیل کننده جمله باشد:

Smoking cigarettes costs a lot of money.

I don't like writing letters.

My favorite occupation is reading detective stories.

همانند یک اسم می توانند adjective (وابسته- صفت) های خود را داشته باشند:

The settling of debts.

His drinking of alcohol.

Pointless questioning.

A settling of debts (not settling debts.)

Making "Titanic "was expensive.

The making of "Titanic "was expensive.

افعال اسمی پس از حروف اضافه

(Gerunds after Prepositions) :

اگر بخواهیم فعلی را بعد از یک حرف اضافه بکار ببریم، باید به شکل Gerund باشد و غیر از این ناممکن است.

I will call you after arriving at the office .

Please, have a drink before leaving .
I am looking forward to meeting you .
Do you object to working late?
Tara always dreams about going on holiday .

توجه داشته باشید که شما می توانید به جای تمامی افعال اسمی فوق از اسم واقعی استفاده کنید:

I will call you after arriving at the office .
Please have a drink before leaving .
I am looking forward to meeting you .
Do you object to working late?
Tara always dreams about going on holiday .

در به کار بردن Gerunds پس از حروف اضافه هیچ حالت خاصی وجود ندارد، پس چرا در مثال زیر پس از to یکبار drive و بار دیگر driving آمده است؟

I am used to driving on the left .
I used to drive on the left .

جواب این است که در حالت اول to یک حرف اضافه است ولی در مثال دوم to drive به عنوان مصدر و ریشه به کار رفته است و to بیانگر حرف اضافه نیست.

افعال اسمی پس از افعال اصلی

(Gerunds after certain verbs) :

گاهی اوقات یک فعل را بعد از یک فعل دیگر به کار می بریم. در این حالت فعل دوم معمولا به شکل ریشه استفاده می شود:

I want to eat .

ولی بعضی وقتها فعل دوم باید فعل اسمی باشد :

I dislike eating .

این موضوع به فعل اولی بستگی دارد. در زیر لیستی از افعال را می بینید که فعل بعد از آنها معمولا در غالب Gerunds می باشد :

admit, appreciate, avoid, carry on, consider, defer, delay, deny, detest, dislike, endure, enjoy, escape, excuse, face, feel like, finish, forgive, give up, can't help, imagine, involve, leave off, mention, mind, miss, postpone, practice, put off, report, resent, risk, can't stand, suggest, understand .

به مثال های زیر توجه کنید :

She is considering having a holiday .
Do you feel like going out?
I can't stand not seeing you .

برخی افعال هستند که چندان فرقی نمی کند که به چه شکلی به کار روند :

I like to play tennis .
I like playing tennis .
It started to rain .
It started raining .

افعال اسمی در حالت تأثیر پذیری.

(Gerunds in Passive sense):

اغلب اوقات پس از افعال want،need و require از Gerund استفاده می کنیم که در این حالت فعل اسمی حالت تأثیر پذیری را نشان می دهد:

I have three pants that need washing (needs to be washed).
This letter requires signing (needs to be signed).
The house wants repainting (needs to be repainted).

نکته : عبارت Something wants doing یک عبارت انگلیسی بریتانیایی می باشد. میدانیم پس از want معمولا مصدر را می نویسیم.

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

افعال چند کلمه ای

افعال چند کلمه ای (به لفظ عامهافعال عبارتی (Phrasal Verbs)) :

افعال عبارتی بخشی از گروه بزرگی از افعال به نام "افعال چند کلمه ای" می باشند. به کار گیری افعال چند کلمه ای به خصوص در مکالمه بسیار رایج می باشد. مانند: pick up، turn on و یا get on with. بسیاری از مردم برای راحتی به تمامی انواع افعال چند کلمه ای Phrasal Verbs (افعال عبارتی) می گویند که شامل یک فعل اصلی به همراه یک و یا چند لغت دیگر است. لغاتی که همراه با فعل اصلی می آیند می توانند قید و یا حرف اضافه باشند.

نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که Phrasal verbs یا افعال عبارتی همچنان یک فعل هستند. get یک فعل است، get up نیز یک فعل می باشد، که در معنا با هم متفاوتند. پس به افعال عبارتی نیز باید به چشم یک فعل جداگانه، با معنای جداگانه نگریست.

همانطور که در مثال زیر ملاحظه می کنید، سه نوع فعل عبارتی داریم :

فعل یک کلمه ای		look	direct your eyes in a certain direction	You must look before you leap.
افعال چند کلمه ای	**prepositional verbs افعال اضافی**	look after	take care of	Who is looking after the baby?
	phrasal verbs افعال عبارتی	look up	search for and find information in a reference book	You can look up my number in the telephone directory.
	phrasal-prepositional verbs افعال اضافی – عبارتی	look forward to	anticipate with pleasure	I look forward to meeting you.

در این درس نگاهی خواهیم داشت به انواع افعال چند کلمه ای

افعال عبارتی (Phrasal Verbs) :

ساختار اصلی افعال عبارتی به شکل زیر است :

Verb + Adverb

افعال عبارتی هم می توانند لازم و هم متعدی باشند.

به چند مثال از افعال عبارتی توجه کنید :

	phrasal verbs	**meaning**	**examples**	
				direct object
intransitive phrasal verbs	get up	rise from bed	I don't like to get up.	
	break down	cease to function	He was late because his car broke down.	
transitive phrasal verbs	put off	postpone	We will have to put off	the meeting.
	turn down	refuse	They turned down	my offer.

افعال عبارتی جداشدنی (Separable Phrasal Verbs) :

هنگامی که افعال عبارتی متعدی هستند (یک شیء دارند)، معمولا می توانیم دو قسمت فعل عبارتی را از هم جدا کنیم. مثال :

They turn down my offer .
They turn my offer down .

هر دو جمله فوق صحیح بوده و معنای مشابهی دارند.

نکته: هنگامی که در افعال عبارتی متعدی شیء، ضمیر باشد چاره ای به جز جدا کردن فعل عبارتی نداریم.

direct object pronouns must go between the two parts of transitive phrasal verbs	John	switched		on	the radio.	These are all possible.
	John	switched	the radio	on.		
	John	switched	it	on.		
	John	switched		on	it.	This is not possible.

نکته : از آنجایی برخی از افعال عبارتی جداپذیرند و برخی دیگر اینگونه نیستند. چگونه به این موضوع پی ببریم؟

در صورتی که یک فعل عبارتی مانند look up جدا پذیر باشد آن را به این شکل خواهید دید :

look (something) up

پیشنهاد : هنگامی که در حال یادگیری فعل عبارتی جدیدی هستید مانند put off بهتر است آن را به شکل زیریادداشت کنید:

put (off (something\somebody

افعال اضافی (Prepositional Verbs) :

ساختار اصلی افعال اضافی :

Prepositional+Verb

چون حروف اضافه همیشه دارای یک شیء هستند، تمامی افعال اضافی نیز شیء مستقیمی خواهند داشت. به مثال های زیر توجه کنید:

prepositional verbs	**meaning**	**examples**	
			direct object
believe in	have faith in the existence of	I believe in	God.
look after	take care of	He is looking after	the dog.
talk about	discuss	Did you talk about	me?
wait for	await	John is waiting for	Mary.

اینگونه افعال (prepositional verbs) شداشدنی نیستند.

افعال اضافی جدائی ناپذیرند	Who is looking after the baby?	This is possible.
	Who is looking the baby after?	This is not possible.

پیشنهاد : هنگامی که فعل اضافی جدید را یاد می گیرید بهتر است آن را به شکل زیر یادداشت کنید :

مثال : Believe in something)/(somebody

این کار به شما کمک می کند که به خاطر داشته باشید فعلی که یاد گرفته اید نیاز به یک شیء داشته و البته جای آن نیز مشخص است.

افعال اضافی - عبارتی (Phrasal-Prepositional Verbs):

ساختار کلی :

verb + preposition + Adverb

به مثال های زیر توجه کنید :

phrasal-prepositional verbs	meaning	examples	
			direct object
get on with	have a friendly relationship with	He doesn't get on with	his wife.
put up with	tolerate	I won't put up with	your attitude.
look forward to	anticipate with pleasure	I look forward to	seeing you.
run out of	use up, exhaust	We have run out of	eggs.

از آنجایی که افعال اضافی - عبارتی همیشه با حروف اضافه ختم می شوند، این افعال نیز داری یک شیء خواهند بود. و مانند افعال prepositional (افعال اضافی)، افعال اضافی - عبارتی نیز جدائی ناپذیرند.

پیشنهاد : هنگامی که فعل اضافی - عبارتی جدید را یاد می گیرید بهتر است آن را به شکل زیر یادداشت کنید :

مثال : Get on with somebody و یا run out of something

زمان‌ها

زمان گذشته:	زمان حال:	زمان آینده:
حال ساده	گذشته ساده	آینده ساده
حال استمراری	گذشته استمراری	آینده استمراری
حال کامل	گذشته کامل	آینده کامل
حال کامل استمراری	گذشته کامل استمراری	آینده کامل استمراری

گذشته (past)

زمان گذشته استمراری (Past Continuous Tense) :

- ساختار زمان گذشته استمراری :

ساختار این زمان به شکل زیر می باشد:

subject	+	auxiliary verb (BE)	+	main verb
		conjugated in simple past tense صرف فعل در زمان گذشته ساده		present participle
		was were		base + ing

در زمان گذشته استمراری برای استفاده از جملات منفی بین فعل کمکی و فعل اصلی not اضافه می کنیم.

برای جملات سوالی نیز جای فاعل و فعل کمکی را عوض می نماییم. به مثال های زیر توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I	was		watching	TV.
+	You	were		working	hard.
-	He, she, it	was	not	helping	Mary.
-	We	were	not	joking.	
?	Were	you		being	silly?
?	Were	they		playing	football?

- چطور می توانیم از این زمان استفاده کنیم:

زمان گذشته استمراری، زمانی مشخص در گذشته را بیان می کند. عمل قبل از زمان مشخص شروع شده ولی در آن زمان ادامه داشته است. فرض کنید شما دیروز فیلمی را از تلویزیون مشاهده کرده اید، که ساعت هفت بعد از ظهر شروع شده (7pm) و در ساعت نه بعد از ظهر (۹pm) نیز تمام شده است:

At 8pm yesterday, I was watching TV.		
past	**present**	**future**
8pm		
ساعت هشت بعد از ظهر مشغول تماشای فیلم بوده اید.		

هنگامی که از زمان گذشته استمراری استفاده می کنیم، معمولا مخاطب ما می داند که ما درباره چه زمانی صحبت می کنیم:

I was working at 10pm last night.
They were not playing football at 9am this morning.
What were you doing at 8pm last night.
What were you doing when he arrived?
She was cooking when I telephoned her.
We were having dinner when it started to rain.
Ram went home early because it was snowing.

نکته : برخی از افعال نمی توانند در زمانهای استمراری به کار روند.

معمولا از زمان گذشته استمراری برای شرح صحنه از داستان (معمولا به با جزئیات) استفاده می شود. شروع داستان نیز اغلب با گذشته استمراری شروع می شود. به مثال زیر توجه کنید:

" James Bond was driving through town. It was raining. The wind was blowing hard. Nobody was walking in the streets. Suddenly, Bond saw the killer in a telephone box..."

زمان گذشته استمراری + زمان گذشته ساده:

اغلب اوقات زمان گذشته استمراری را با زمان گذشته ساده به کار می بریم. از گذشته استمراری برای بیان عملی طولانی در گذشته و از زمان گذشته ساده برای بیان عملی کوتاه در گذشته که در حین عمل طولانی رخ داده استفاده می کنیم. این دو عمل را می توانیم با استفاده از when و یا while به یکدیگر مرتبط کنیم.

در مثال زیر دو عمل داریم:

1- long action: watching TV (expressed with past continuous tense).
2- short action: telephoned (expressed with simple past tense).

past	**present**	**future**
عمل طولانی		
I was watching TV at 8pm. 8pm You telephoned at 8pm.		
عمل کوتاه		

این دو عمل را می توانیم با به کار بردن when به هم مرتبط کنیم:

I was watching TV when you telephoned.

(دقت داشته باشید که در اینجا when به نوعی به زمان نیز اشاره می کند. یعنی زمانی که زنگ زدی که میشه ۸ صبح)

طرز استفاده از when و while:

when + short action (simple past tense).
while + long action (past continuous tense).

در کل به چهار روش می توانیم از when و while استفاده کنیم که در زیر مشاهده می کنید:

	I was walking past the car	**when**	it exploded.
When	the car exploded		I was walking past it.
	The car exploded	**while**	I was walking past it.
While	I was walking past the car		it exploded.

توجه کنید که short action و long action به هم وابسته اند:
Watching TV ، چند ساعت طول می کشد، Telephoned، چند ثانیه به طول می انجامد.
Walking past the car ، چند ثانیه طول می کشد، Exploded، چند هزارم ثانیه به طول خواهد کشید.

زمان گذشته حال کامل استمراری (Past Perfect Continuous Tense) :

- ساختار زمان گذشته حال کامل استمراری:

subject	**+**	**auxiliary verb HAVE**	**+**	**auxiliary verb BE**	**+**	**main verb**
		conjugated in simple past tense		past participle		present participle
		had		been		base + ing

برای ساخت جملات منفی در این زمان بعد از فعل کمکی اول not را اضافه کنیم. برای ساخت جملات سوالی نیز کافیست جای فاعل و فعل کمکی اول را عوض کنیم. به مثالهای زیر توجه کنید:

	subject	**auxiliary verb**		**auxiliary verb**	**main verb**	
+	I	had		been	working.	
+	You	had		been	playing	tennis.
-	It	had	not	been	working	well.
-	We	had	not	been	expecting	her.
?	Had	you		been	drinking?	
?	Had	they		been	waiting	long?

هنگامی که در مکالمه از زمان گذشته کامل استمراری استفاده می کنیم معمولا فاعل و فعل کمکی اول را به شکل خلاصه شده به کار می بریم.

I had been	I'd been
you had been	you'd been
he had she had been it had been	he'd been she'd been it'd been
we had been	we'd been
they had been	they'd been

- چگونه از زمان گذشته کامل استمراری استفاده کنیم:

زمان گذشته کامل استمراری شبیه به زمان گذشته کامل است با این تفاوت که بیانگر اعمال طولانی تری در گذشته نسبت به عملی دیگر در گذشته می باشد. به عنوان مثال:

Ram started waiting at 9am. I arrived at 11am. When I arrived, Ram had been waiting for two hours.
waiting at 9am. I arrived at 11am. When I arrived, Ram had been waiting for two hours.

Ram had been waiting for two hours when I arrived.		
past	**present**	**future**
Ram starts waiting in past at 9am.		
9 11		
I arrive in past at 11am.		

در زیر چند مثال دیگر را مشاهده میکنید:

John was very tired. He had been running.
I could smell cigarettes. Somebody had been smoking.
Had the pilot been drinking before the crash?

به نوعی می توان زمان گذشته کامل استمراری را مانند زمان حال کامل استمراری دانست با این تفاوت که عمل در گذشته اتفاق افتاده. به مثال زیر توجه کنید:

فرض کنید شما در ساعت ۱۱ دوست خود Ram را ملاقات کرده اید. رم به شما می گوید:

I am angry. I have been waiting for two hours.

فردای آن روز شما به دوستان خود می گویید:

Ram was angry. He had been waiting for two hours.

زمان گذشته کامل (Past Perfect Tense) :

- ساختار زمان گذشته کامل:

ساختار این زمان به شکل زیر می باشد:

subject	+	auxiliary verb HAVE	+	main verb
		conjugated in simple past tense		past participle
		had		V3

برای ساختن جمله منفی در زمان گذشته کامل بین فعل کمکی had و فعل اصلی ، not اضافه می کنیم و برای ساخت جملات سوالی کافیست جای فعل کمکی و فاعل را عوض نماییم. به مثالهای زیر توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I	had		finished	my work.
+	You	had		stopped	before me.
-	She	had	not	gone	to school.
-	We	had	not	left.	
?	Had	you		arrived?	
?	Had	they		eaten	dinner?

هنگامی که از زمان گذشته کامل صحبت می کنیم معمولا فعل کمکی و فاعل را خلاصه می نماییم:

I had	I'd
you had	you'd
he had she had it had	he'd she'd it'd
we had	we'd
they had	they'd

نکته اینکه شکل خلاصه 'd هم علاوه بر had برای فعل کمکی would نیز به کار می رود . به طور مثال We'd هم می تواند had We باشد و هم We would و معمولا از روی فعل اصلی است که به این نکته پی می بریم:

We had arrived. (past participle)
We would arrive. (base)

- چطور می توانیم از این زمان استفاده کنیم:

زمان گذشته کامل بیانگر عملی در گذشته قبل از عملی دیگر در گذشته می باشد. که به آن گذشته در گذشته (past in past) می گویند. به عنوان مثال:

The train left at 9am. We arrived at 9:15am. When we arrived, the train had left.

The train had left when we arrived.		
past	**present**	**future**
Train leaves in past at 9am.		
9 9.15		
We arrive in past at 9.15am.		

به مثال های زیر توجه کنید:

I wasn't hungry. I had just eaten.
They were hungry. They had not eaten for five hours.
I didn't know who he was. I had never seem him before.
Mary wasn't at home when I arrived. Really? where had she gone?

می توانید زمان گذشته کامل را مانند زمان حال کامل در نظربگیرید با این تفاوت که به جای زمان حال گذشته است.

مثالی می زنیم. فرض کنید شما ساعت ۹:۱۵ صبح به ایستگاه قطار رسیده اید. رئیس ایستگاه به شما می گوید:

You are too late. The train has left. (present perfect tense).

فردای آن روز شما به دوست خود می گویید:

We were too late. The train had left. (past perfect tense).

ما اغلب از زمان گذشته کامل برای مکالمات گزارشی (reported speech) ، بعد از افعالی چون :

told, said, asked, thought, wondered:

He told us that the train had left.
I thought, I had met her before. But I was wrong.
He explained that he had closed the window because of the rain.
I wondered if I had been there before.
I asked them why they had not finished.

زمان گذشته ساده (Simple Past Tense) :

به این زمان Preterit نیز می گویند.

- ساختار زمان گذشته ساده:

برای ساخت این زمان یا شکل گذشته فعل را می نویسیم و یا فعل کمکی did را به همراه فعل اصلی.

در زیر مثالهایی را که همراه با افعال باقاعده و نیز بدون قاعده مشاهده می کنید:

	V1 base	V2 past	V3 past participle	
regular verb	work explode like	worked exploded liked	worked exploded liked	The past form for all regular verbs ends in -ed.
irregular verb	go see sing	went saw sang	gone seen sung	The past form for irregular verbs is variable. You need to learn it by heart.
			You do not need the past participle form to make the simple past tense. It is shown here for completeness only.	

ساختار جملات مثبت در گذشته ساده:

subject + main verb (base)

ساختار جملات منفی در گذشته ساده:

subject + auxiliary verb (did) + not + main verb (base)

ساختار جملات سؤالی در گذشته ساده:

auxiliary verb (did) + subject + main verb (base)

فعل کمکی did صرفهای گوناگونی ندارد (is not conjugated) و برای همه اشخاص چه سوم شخص، چه اول شخص و... همگی به صورت did به کار می رود.

به مثالهای زیر با افعال اصلی go و work توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I			went	to school.
	You			worked	very hard.
-	She	did	not	go	with me.
	We	did	not	work	yesterday.
?	Did	you		go	to London?
	Did	they		work	at home?

استثناء! یک استثناء برای فعل be to وجود دارد. ما فعل to be را بر خلاف فعل did که صرف نمی شد، صرف می کنیم.(I was, you were, she|he| it, was we were). علاوه بر این هنگامی که فعل to be را به کار می بریم برای جملات منفی و سوالی از فعل کمکی did استفاده نمی کنیم، و تنها جای فعل و فاعل را با هم عوض می کنیم.

	subject	main verb		
+	I, he/she/it	was		here.
	You, we, they	were		in London.
-	I, he/she/it	was	not	there.
	You, we, they	were	not	happy.
?	Was	I, he/she/it		right?
	Were	you, we, they		late?

- چطور می توانیم از این زمان استفاده کنیم:

از زمان گذشته ساده برای صحبت درباره یک وضعیت، حالت، عمل و یا واقعه ای در گذشته صحبت می کنیم. واقعه می تواند کوتاه مدت و یا بلند مدت بوده باشد.

در زیر چند مثال از وقایع کوتاه مدت را مشاهده می کنید:

The car exploded at 9.30am yesterday. She went to the door. We did not hear the telephone. Did you see that car?		
past	present	future
■		
The action is in the past.		

www.EnglishPro.ir زبان پژوه- مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

در اینجا نیز چند مثال از وقایع بلند مدت را ملاحظه می کنید:

I lived in Bangkok for 10 years. The Jurassic period lasted about 62 million years. We did not sing at the concert. Did you watch TV last night?		
past	present	future
[redacted]		
The action is in the past.		

دقت داشته باشید که اصلا مهم نیست که واقعه چند ثانیه بوده و یا چند میلیون سال، مهم این است که تمام شده.

در زیر موارد استفاده از زمان گذشته ساده را مشاهده می کنید:

واقعه ای که در گذشته اتفاق افتاده.

رویدادی که به طور کامل تمام شده.

ما زمان و یا مکان رخ دادن واقعه را می دانیم (و یا می گوییم).

نکته : هنگامی که مکان و یا زمان رخداد را بیان می کنیم حتما و حتما باید از زمان گذشته ساده استفاده نماییم و از هیچ زمان دیگری نمی توان استفاده کرد.

به مثال های زیر توجه کنید:

He didn't like the movie.
I lived in that house when I was young.
What did you eat for dinner?
John drove to London on Monday.
Mary did not go to work yesterday.
We were not late. (for the train).
Were you angry?

توجه داشته باشید که هنگامی که داستانی را تعریف می کنیم، معمولا زمان گذشته ساده را به کار می بریم البته گاهی اوقات برای بیان یک منظره (معمولا همراه با جزئیات) از زمان گذشته استمراری نیز استفاده می کنیم. ولی در بیشتر موارد زمان گذشته ساده را به کار می گیریم. به تکه داستان زیر توجه کنید:

"The wind was howling around the hotel [past continuous tense], and the rain was pouring down. The door opened and James Bond entered. He took out his coat, witch was very wet and ordered a drink at the bar. He sat down at the corner of the lounge and quietly drank his..."

البته کاربرد های دیگری نیز از زمان گذشته ساده وجود دارد. به طور مثال در شرطها از این زمان برای اشاره به آینده استفاده میشود.

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

حال (present)

زمان حال استمراری (Present Continuous Tense) :

در انگلیسی اغلب از زمان حال استمراری استفاده می کنیم. این زمان تفاوتهای زیادی با زمان حال ساده دارد، چه در ساختار و چه در کاربرد.

نکته : به زمان حال استمراری (present continuous) زمان پیش رونده (progressive tense) نیز می گویند.

- ساختار زمان حال استمراری.:

ساختار اصلی این زمان چنین است:

subject + auxiliary verb (be) + main verb (base + ing)

به مثال های زیر توجه کنید :

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I	am		speaking	to you.
+	You	are		reading	this.
-	She	is	not	staying	in London.
-	We	are	not	playing	football.
?	Is	he		watching	TV?
?	Are	they		waiting	for John?

- چه وقت و چرا باید از زمان حال استمراری استفاده کنیم:

ما از زمان حال استمراری برای صحبت درباره :

- عملی که اکنون در حال وقوع است.
- عملی در آینده

صحبت میکنیم.

استفاده از زمان حال استمراری برای عملی که در حال وقوع است :

۱- برای عملی که دقیقا الان دارد اتفاق می افتد.

I am eating my lunch.		
past	**present**	**future**
	▬▬▬	
	The action is happening now.	

به مثال های زیر توجه کنید :

...the pages are turning. ...the candle is burning. ...the numbers are spinning.

۲- برای عملی که پیرامون زمان حال در حال وقوع است. (قدری از گذشته و آینده را هم دربر می گیرد) دقت کنید که عمل نباید همیشگی و یا در فواصلی معین تکرار شود.

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

John is going out with Mary.		
past	**present**	**future**
▬▬▬▬	▬▬ ▬▬ ▬▬	▬▬▬▬
	The action is happening around now.	

به مثال های زیر توجه کنید :

Muriel is learning to drive.
I am leaving with my sister, until I find an apartment.

استفاده از زمان حال استمراری برای عملی در آینده :

چنانچه به جمله خود (در زمان حال استمراری) یک کلمه آینده (future word) بیافزاییم می توانیم در باره آِینده نیز صحبت کنیم. کلمات آینده را از روی مفهوم آنها تشخیص می دهیم، مانند : tomorrow, next week, in June و ...

تنها زمانی از حال استمراری برای صحبت درباره آینده استفاده می کنیم که قبل از صحبت برنامه ریزی برای انجام آن عمل را کرده باشیم. (تصمیم گرفته و برنامه ریزی کرده ایم)

I am taking my exam next month.		
past	**present**	**future**
	!!!	▬▬▬
	A firm plan or program exists now.	The action is in the future.

به مثال های زیر توجه کنید :

We're eating in the restaurant tonight. We've already booked the table.
They can play tennis with you tomorrow. They're not working.
When are you starting your new job?

در مثال هایی که ملاحظه کردید ما قبل از صحبت، یک برنامه ریزی دقیق (firm plan) داشتیم. تصمیم گیری و برنامه ریزی قبل از صحبت به وقوع پیوسته.

- افعال **ing** دار را در زمان حال استمراری چگونه هجی (**Spell**) کنیم:

ساختن زمان حال استمراری که با افزودن ing به فعل همراه خواهد بود که معمولا این عمل به سادگی انجام می پذیرد. ولی در مواردی مجبوریم ساختار نوشتاری فعل را اندکی تغییر دهیم. بعضی اوقات باید حرف آخر فعل را دوبار بنویسیم و یا حتی برخی از حروف آن را حذف نماییم.

در زیر قوانینی را مشاهده می کنید که به شما در هجی کردن زمان حال استمراری کمک می کنند :

قانون اصلی	افزودن ing به فعل پایه (مصدر)		
	work	-->	working
	play	-->	playing
	assist	-->	assisting
	see	-->	seeing
	be	-->	being
استثناء اول	چنانچه فعل پایه (مصدر) با حرف بی صدا + حرف صدادار تأکیدی + حرف بی صدا تمام شود. حرف آخر را دوبار می نویسیم s t o p consonant stressed vowel consonant (vowels = a, e, i, o, u)		
	stop	-->	stopping
	run	-->	running
	begin	-->	beginning
	توجه داشته باشید که چنانچه سیلاب آخر فعل پایه تأکیدی نباشد این استثناء را شامل نمی شود.		
	open	-->	opening
استثناء دوم	در صورتی که فعل پایه به ie ختم شود به جای آن y می نویسیم.		
	lie	-->	lying
	die	-->	dying
استثناء سوم	اگه فعل پایه به حرف صدادار + حرف بی صدا + e ختم شود، e را حذف می کنیم.		
	come	-->	coming
	mistake	-->	mistaking

زمان حال کامل استمراری (**Perfect Continuous Tense Present**) :

- ساختار اصلی این زمان بدین شکل است :

subject + auxiliary verb (have, has) + auxiliary verb (been) + main verb (base + ing)

به مثال های زیر توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		auxiliary verb	main verb	
+	I	have		been	waiting	for one hour.
+	You	have		been	talking	too much.
-	It	has	not	been	raining.	
-	We	have	not	been	playing	football.
?	Have	you		been	seeing	her?
?	Have	they		been	doing	their homework?

خلاصه نویسی :

www.EnglishPro.ir زبان پژوه- مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

هنگامی که به زمان حال کامل استمراری صحبت می کنیم، اغلب فاعل و فعل کمکی اول را خلاصه تلفظ می کنیم، البته این کار را معمولا در نوشتن (غیر رسمی) نیز انجام می دهیم:

I have been	I've been
You have been	You've been
He has been She has been It has been John has been The car has been	He's been She's been It's been John's been The car's been
We have been	We've been
They have been	They've been

در زیر چند مثال را ملاحظه می کنید:

I've been reading.
You've been talking too much.

- چطور از زمان حال کامل استمراری استفاده کنیم:

این زمان معمولا ارتباطی با زمان حال دارد. به طور کلی این زمان دوکاربرد دارد:

۱- عملی که هم اکنون و یا اخیرا متوقف شده (An action that has just stopped or recently stopped)

ما درباره عملی صحبت می کنیم که در گذشته شروع شده و به تازگی و یا همین حالا به اتمام رسیده:

I'm tired because I've been running.		
past	**present**	**future**
▬▬	!!!	
Recent action.	Result now.	

I'm tired [now], I've been running.
Why are the grasses wet [now]? Has it been raining?
You don't understand [now], because you haven't been listening.

۲- عملی که تا حالا ادامه پیدا کرده (An action continuing up to now)

ما درباره عملی صحبت می کنیم که در گذشته شروع شده و هنوز نیز ادامه دارد، که معمولا با since و یا for بیان می شود.

I have been reading for 2 hours.		
past	present	future
▬▬▬▬▬▬▬▬		
Action started in past.	Action is continuing now.	

I've been reading for two hours. [I'm still reading now]
We've been studying since 9 o'clock. [We're still studying now]
How long have you been learning English? [You are still learning now]
We have not been smoking. [And we are not smoking now]

ما از for برای صحبت درباره بازه زمانی مثل: ۵ دقیقه،۲هفته و یا ۶ سال استفاده می کنیم. در حقیقت یک محدوده زمانی است.

از since برای صحبت درباره بازه زمان مثل: ساعت ۹، یکم جولای و یا روز دوشنبه استفاده می کنیم. در حقیقت یک نقطه شروع در گذشته است.(دقت بیشتری دارد)

for	since
a period of time	a point in past time
▬▬▬▬▬	x----------
20 minutes	6.15pm
three days	Monday
6 months	January
4 years	1994
2 centuries	1800
a long time	I left school
ever	the beginning of time
etc	etc

به مثال های زیر توجه کنید :

I have been studying for 3 hours.
I have been watching TV since 7pm.
Tara hasn't been feeling well for 2 weeks.
Tara hasn't been visiting us since march.
He has been playing football for a long time.
He has been living in New York since he left school.

معمولا for را در هر زمانی می توان به کار برد ولی since معمولا در زمانهای حال استفاده می شود.

نکته : به این زمان present perfect progressive نیز می گویند.

زمان حال کامل (Present Perfect Tense) :

- ساختار زمان حال کامل:

ساختار اصلی این زمان بدین شکل است :

subject + auxiliary verb (have) + main verb (past participle)

به چند مثال از این زمان توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I	have		seen	ET.
+	You	have		eaten	mine.
-	She	has	not	been	to Rome.
-	We	have	not	played	football.
?	Have	you		finished?	
?	Have	they		done	it?

خلاصه نویسی در زمان حال کامل :

هنگامی که در صحبت کردن از زمان حال کامل استفاده می کنیم، معمولا فاعل و فعل کمکی را در هم به نوعی ادغام و خلاصه می کنیم. این عمل را گاها در نوشتن نیز انجام می دهیم:

I have	I've
You have	You've
He has She has It has John has The car has	He's She's It's John's The car's
We have	We've
They have	They've

نکته : توجه داشته باشید که شکل خلاصه 's هم برای فعل کمکی have و هم فعل be به کار می رود. به طور مثال It's eaten هم می تواندIt has eaten و هم It is eaten باشد. این دو موضوع را باید از روی مفهوم فهمید.

- کي و چرا از زمان حال کامل استفاده کنیم:

در این زمان همیشه ارتباطی بین زمان گذشته و حال وجود دارد. به طور کلی زمان حال کامل سه کاربرد دارد:

تجربه (experience)

تغییر (change)

وضعیت پیوسته (در حال ادامه)(continuing situation)

۱- استفاده از زمان حال کامل برای تجربه :

ما اغلب از زمان حال کامل برای بیان تجربیاتی در گذشته استفاده می کنیم. ما نمی خواهیم زمان انجام کاری که کرده اید را بفهمیم تنها می خواهیم انجام و یا عدم انجام آن را بدانیم.

I have seen ET. He has lived in Bangkok. Have you been there? We have never eaten caviar.		
past	present	future
▬▬▬▬	!!!	
عمل یا وضعیت در گذشته بوده The action or state was in the past	و از آن یک تصویر ذهنی دارم In my head, I have a memory now	

ارتباط با گذشته : عمل در گذشته اتفاق افتاده.

ارتباط با زمان حال : اکنون یک تصویر ذهنی از آن دارم. من چیزهایی در مورد آن رخداد میدانم. من تجربه کردم.

۲- استفاده از زمان حال کامل برای تغییر :

از زمان حال کامل برای صحبت در باره تغییر و یا بیان اطلاعات جدید (که در گذشته رخ داده ولی مخاطب از آن بی خبر است) نیز استفاده می کنیم.

www.EnglishPro.ir زبان پژوه- مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

I have bought a car.		
past	**present**	**future**
-	+	
در هفته گذشته من ماشینی نداشتم	ولی الان ماشین دارم	

John has broken his leg.		
past	**present**	**future**
+	-	
دیروز پای جان خوب بود	ولی الان پایش شکسته	

Has the price gone up?		
past	**present**	**future**
+	-	
دیروز قیمت هزار تومن بود؟	امروز قیمت هزار و هفتصد تومنه؟	

The police have arrested the killer.		
past	**present**	**future**
-	+	
دیروز قاتل آزادانه در شهر قدم می زد	ولی الان در زندان است	

ارتباط با گذشته : گذشته با حال متفاوت است (تغییر کرده).

ارتباط با زمان حال : زمان حال نیز با گذشته متفاوت است. (تغییر کرده).

نکته : امریکایی ها به اندازه انگلیسی ها از این زمان استفاده نمی کنند و معمولا از زمان گذشته استفاده می کنند به عنوان مثال: یک امریکایی معمولا می گوید : "Did you have lunch " ولی یک انگلیسی می گوید " Have you had lunch "

۳-استفاده از زمان حال کامل برای بیان وضعیت پیوسته :

این حالتی است که در گذشته شروع شده ولی در زمان حال نیز ادامه دارد (و احتمالا در آینده نیز ادامه خواهد داشت). دقت کنید که یک حالت (state) است و عمل (action) نیست.

معمولا از For و Since با ساختار زیر استفاده می کنیم :

I have worked here since June. He has been ill for 2 days. How long have you known Tara?		
past	present	future
■■■

- **For** و **Since** در زمان حال کامل و تفاوتهای آنها:

ما اغلب از for و since در زمان حال کامل استفاده می کنیم.

ما از for برای صحبت درباره بازه زمانی مثل: ۵ دقیقه،۲هفته و یا ۶ سال استفاده می کنیم. در حقیقت یک محدوده زمانی است.

از since برای صحبت درباره بازه زمان مثل: ساعت ۹، یکم جولای و یا روز دوشنبه استفاده می کنیم. در حقیقت یک نقطه شروع در گذشته است.(دقت بیشتری دارد)

for	since
a period of time	a point in past time
▬▬▬▬	x----------
20 minutes	6.15pm
three days	Monday
6 months	January
4 years	1994
2 centuries	1800
a long time	I left school
ever	the beginning of time
etc	etc

به مثال های زیر توجه کنید :

I have been here for 20 minutes.
I have been here since 9 o'clock.
John hasn't called for six months.
John hasn't called since February.

نکته : for را با هر زمانی می توان به کاربرد ولی since معمولا فقط با زمانهای حال به کار می رود.

زمان حال ساده (**Simple Present Tense**) :

- چطور از زمان حال ساده استفاده کنیم :

ما وقتی از زمان حال ساده استفاده می کنیم که :

جمله عمومی باشد. (The action is general) مثل : I am not fat

عمل مورد نظر همیشه اتفاق می افتد. و یا به طور همیشگی در زمان گذشته ، حال و آینده.

عمل مورد نظر فقط در زمان جاری اتفاق نمی افتد.(در آینده هم اتفاق خواهد افتاد).

عبارت همیشه درست باشد(مثل یک حقیقت علمی). مثل : The moon goes round the earth

John drives a taxi.		
past	**present**	**future**
▬▬▬▬

۱- برای جملات مثبت معمولا از افعال کمکی استفاده نمی کنیم.
۲- برای سوم شخص مفرد (she, it ,he) به فعل کمکی es و یا به فعل اصلی s اضافه می کنیم.
۳- برای فعل to be ما از افعال کمکی استفاده نمی کنیم حتی برای جملات منفی و سوال.

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I, you, we, they			like	coffee.
	He, she, it			like**s**	coffee.
-	I, you, we, they	do	not	like	coffee.
	He, she, it	do**es**	not	like	coffee.
?	Do	I, you, we, they		like	coffee?
	Do**es**	he, she, it		like	coffee?

به مثال های که دارای فعل اصلی to be هستند توجه کنید، هیچ فعل کمکی وجود ندارد!

	subject	main verb		
+	I	am		French.
	You, we, they	are		French.
	He, she, it	is		French.
-	I	am	not	old.
	You, we, they	are	not	old.
	He, she, it	is	not	old.
?	Am	I		late?
	Are	you, we, they		late?
	Is	he, she, it		late?

به مثال های زیر توجه کنید:

I live in New York.
The moon goes round the earth.
John drives a taxi.
We do not work at night.
Do you play football?

توجه داشته باشید که با فعل to be و با استفاده از زمان حال ساده می توانیم برای وضعیت هایی نیز استفاده کنیم که عمومی نیستند. به مثال های فعل to be در زمان حال ساده توجه کنید: برخی از آنها عمومی و برخی دیگر زمان حال هستند :

Am I right? Tara is not at home. You are happy.		
past	**present**	**future**
	■	
وضعیت زمان حال است.		

www.EnglishPro.ir زبان پژوه- مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

I am not fat. Why are you so beautiful? Ram is tall.		
past	**present**	**future**
وضعیت عمومی است (حال ، گذشته و آینده)		

چند نکته:

۱- افعالی که به z،ss،s،X،sh،ch و یا o ختم می شوند باید به آخرشان es اضافه کرد.(البته برای سوم شخص مفرد):

She watches TV.

۲- اگر فعلی به حرف y ختم بشود و قبل از y یک حرف بی صدا قرار بگیرد، برای سوم شخص های مفرد حرف y در انتهای فعل به i تبدیل شده و به آن es اضافه می کنیم.

مثال:

He studies.

۳- در اینجا بحث بر این بود که از زمان حال ساده برای وضعیت های عمومی و گاها زمان حال استفاده می شود. ولی کاربرد های دیگری نیز از زمان حال ساده وجود دارند، به طور مثال در شرطها با استفاده از زمان حال ساده به آینده اشاره می کنیم .

www.EnglishPro.ir زبان پژوه- مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

آینده (future)

زمان آینده استمراری (Future Continuous Tense) :

- ساختار زمان آینده استمراری:

subject	+	auxiliary verb WILL	+	auxiliary verb BE	+	main verb
		invariable		invariable		present participle
		will		be		base + ing

جهت ساخت جمله منفی ، بین will و be یک not اضافه می کنیم. برای ساخت جملات سوالی نیز کافیست جای فاعل و will را عوض کنیم. به مثالهای زیر توجه نمایید:

	subject	auxiliary verb		auxiliary verb	main verb	
+	I	will		be	working	at 10am.
+	You	will		be	lying	on a beach tomorrow.
-	She	will	not	be	using	the car.
-	We	will	not	be	having	dinner at home.
?	Will	you		be	playing	football?
?	Will	they		be	watching	TV?

هنگامی که در مورد زمان آینده استمراری صحبت می کنیم اغلب فاعل و will را به طور اختصاری بیان می کنیم:

I will	I'll
you will	you'll
he will she will it will	he'll she'll it'll
we will	we'll
they will	they'll

برای جملات منفی will و not را به شکل won't مختصر می کنیم:

I will not	I won't
you will not	you won't
he will not she will not it will not	he won't she won't it won't
we will not	we won't
they will not	they won't

نکته: برخی مواقع از shall به جای will استفاده می کنیم. به خصوص برای I و we.

- چگونه از زمان آینده استمراری استفاده کنیم:

زمان آینده استمراری مبین عملی در لحظه ای مشخص در آینده می باشد. عمل ، قبل از آن لحظه ای که در موردش صحبت می کنیم شروع شده ولی در آن لحظه خاتمه نیافته است. به مثال زیر توجه کنید:

Tomorrow I will start work at 2pm and stop work at 6pm.

At 4pm tomorrow, I will be working.		
past	present	future
		4pm
		At 4pm, I will be in the middle of working.

هنگامی که جمله ای را در زمان آینده استمراری بیان می کنیم معمولا مخاطب ما میداند که ما در مورد چه زمانی در آینده صحبت می کنیم:

I will be playing tennis at 10am tomorrow.
They won't be watching TV at 9pm tonight.
What will you be doing at 10 pm tonight?
What will you be doing when I arrive? [tomorrow]?
She will not be sleeping when you telephone her.
We will be having dinner when the film starts.
Take your umbrella, it will be raining when you return.

زمان آینده کامل استمراری (**Future Perfect Continuous Tense**) :

- ساختار زمان آینده کامل استمراری:

subject	+	**auxiliary verb WILL**	+	**auxiliary verb HAVE**	+	**auxiliary verb BE**	+	**main verb**
		invariable		invariable		past participle		present participle
		will		have		been		base + ing

برای ساخت جملات منفی بین فعل کمکی will و have ، یک not اضافه کنیم. برای ساخت جملات سوالی نیز کافیست جای فاعل و will را عوض کنیم. به مثالهای زیر توجه کنید:

	subject	**auxiliary verb**		**auxiliary verb**	**auxiliary verb**	**main verb**	
+	I	will		have	been	working	for four hours.
+	You	will		have	been	travelling	for two days.
-	She	will	not	have	been	using	the car.
-	We	will	not	have	been	waiting	long.
?	Will	you		have	been	playing	football?
?	Will	they		have	been	watching	TV?

هنگامی که جمله ای را به زمان آینده کامل استمراری بیان می کنیم اغلب فاعل و will را به طور خلاصه به کار می گیریم:

I will	I'll
you will	you'll
he will she will it will	he'll she'll it'll
we will	we'll
they will	they'll

برای مختصر سازی جملات منفی will و not را به شکل won't به کار می بریم:

I will not	I won't
you will not	you won't
he will not she will not it will not	he won't she won't it won't
we will not	we won't
they will not	they won't

- چطور از زمان آینده کامل استمراری استفاده کنیم:

از این زمان برای صحبت درباره عملی طولانی قبل از نقطه ای مشخص در آینده استفاده می کنیم. به مثالهای زیر توجه کنید:

I will have been working here for ten years next week.
He will be tired when he arrives. He will have been travelling for 24 hours.

زمان آینده کامل (**Future Perfect Tense**) :

- ساختار زمان آینده کامل:

subject	**+**	**auxiliary verb WILL**	**+**	**auxiliary verb HAVE**	**+**	**main verb**
		invariable		invariable		past participle
		will		have		V3

به مثالهای زیر توجه کنید:

	subject	**auxiliary verb**		**auxiliary verb**	**main verb**	
+	I	will		have	finished	by 10am.
+	You	will		have	forgotten	me by then.
-	She	will	not	have	gone	to school.
-	We	will	not	have	left.	
?	Will	you		have	arrived?	
?	Will	they		have	received	it?

www.EnglishPro.ir زبان پژوه- مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

وقتی جمله ای را به زمان آینده کامل بیان می کنیم گاها فاعل و will و برخی اوقات فاعل، will و have را خلاصه می کنیم:

I will have	I'll have	I'll've
you will have	you'll have	you'll've
he will have she will have it will have	he'll have she'll have it'll have	he'll've she'll've it'll've
we will have	we'll have	we'll've
they will have	they'll have	they'll've

نکته : گاهی اوقات shall را به جای will به کار می بریم ، خصوصا برای I و we.

- چطور از زمان آینده کامل استفاده کنیم:

زمان آینده کامل بیانگر عملی درآینده قبل از عملی دیگر درآینده است. که به آن گذشته در آینده نیز می گویند. به عنوان مثال:

The train will leave the station at 9am. You will arrive at the station at 9:15am.
So: When you arrive the train will have left.

The train will have left when you arrive.		
past	present	future
		Train leaves in future at 9am.
		9 9.15
		You arrive in future at 9.15am.

به مثالهای زیر توجه کنید:

You can call me at work at 8am. I will have arrived at the office by 8am.
They will be tired when they arrive. They will not have slept for a long time.
"Marry won't be at home when you arrive". Really? Where will she have gone?

می توانید زمان آینده کامل را مانند زمان حال کامل در نظر بگیرید با این تفاوت که به جای زمان حال آینده است به مثال نمودار زیر توجه کنید:

present perfect tense

```
          |
  have    |
  done
          |
        > |
-------------------
past  now   future
```

future perfect tense

```
            |
  will      |
  have      |
  done      |
          > |
-------------------
past  now   future
```

زمان آینده ساده (Simple Future Tense) :

به زمان آینده ساده will نیز می گویند، چرا که این زمان را با استفاده از فعل کمکی کیفی will می سازیم.

- ساختار زمان آینده ساده

ساختار این زمان به شکل زیر است:

subject	+	auxiliary verb WILL	+	main verb
		invariable		base
		will		V1

برای ساخت جملات منفی بین فعل کمکی و فعل اصلی not اضافه می کنیم. جهت ساخت جملات سوالی نیز کافیست جای فاعل و فعل کمکی را عوض کنیم. به مثالهای زیر توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I	will		open	the door.
+	You	will		finish	before me.
-	She	will	not	be	at school tomorrow.
-	We	will	not	leave	yet.
?	Will	you		arrive	on time?
?	Will	they		want	dinner?

هنگام به کاربردن این زمان اغلب فاعل و فعل کمکی را به طور خلاصه به کار می بریم:

I will	I'll
you will	you'll
he will she will it will	he'll she'll it'll
we will	we'll
they will	they'll

در جملات منفی not ، به جای فاعل و فعل کمکی ، فعل کمکی را همرا با not خلاصه می کنیم (همراه با تغییر شکل در will) به مثالهای زیر توجه کنید:

I will not	I won't
you will not	you won't
he will not she will not it will not	he won't she won't it won't
we will not	we won't
they will not	they won't

- چگونه از زمان آینده ساده استفاده کنیم:

(بدون برنامه **No Plan**)

وقتی از زمان آینده ساده استفاده می کنیم که قبل از صحبت هیچ برنامه و یا تصمیمی در مورد عملی که می خواهیم آن را بیان کنیم وجود ندارد. بلکه تصمیم و یا برنامه برای انجام کار به طور ضمنی و خود به خود در هنگام صحبت در مورد آن عمل بوجود می آید.

Hold on, I'll get a pen.
I will see, What I can do to help you.
Maybe, we'll stay in and watch television tonight.

اغلب اوقات هنگام به کاربردن زمان آینده ساده فعل to think را نیز قبل از آن اضافه می کنیم:

I think I'll go to the gym (gymnasium) tomorrow.
I think I'll have a holiday next year.
I don't think I'll buy that car.

پیشگویی :

ما خیلی وقتها از زمان آینده ساده برای پیشگویی امری در آینده استفاده می کنیم. در اینجا نیز هیچ برنامه (محکم) قبلی وجود ندارد و تنها آن چیزی را که فکر می کنیم اتفاق خواهد افتاد را بیان می کنیم. به چند مثال توجه کنید:

It will rain tomorrow.
People won't go to the Jupiter before 22nd Century.
Who do you think will get the job?

Be

هنگامی که فعل اصلی be باشد می توانیم از زمان آینده ساده حتی برای بیان تصمیمات و برنامه های قبلی صحبت کنیم، به مثالهای زیر توجه کنید:

I will be in London tomorrow.
I'm going shopping. I won't be very long.
Will you be at work tomorrow.

نکته: توجه داشته باشید هنگامی که نیت و قصد انجام کاری را در آینده داریم معمولا از زمانها و عبارتهای دیگری مانند زمان حال استمراری و یا going to استفاده می کنیم.

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

اسم

اسم‌ها:

تعریف یک اسم کار دشواری نیست، اسمها اشیاء و اسباب (things) و افعال اعمل و کارها هستند. مثل food (غذا)، غذا چیزی است که ما می خوریم پس اسم است. یا Happiness (خوشحالی) چیزی است که آن را می خواهیم پس Happiness نیز اسم است و یا Human being (انسان بودن)، که چیزی است که شما هستید.

اسمها چه هستند:

در تعریف ساده اسمها اشخاص، مکانها و چیزها هستند. به مثالهای زیر دقت کنید:

Person : man, woman, teacher, Mary, John.
Place : home, office, town, country, America, mosque ...
thing : table, car, banana, money, music, love, dog, monkey.

ایرادی که در تعریف فوق وجود دارد این است کلمه love در آن تعریف نمی گنجد. با وجود اینکه Love هم اسم، و هم فعل است.

یک راه (کمی پیچیده تر) دیگر برای تشخیص اسم استفاده از موارد زیر است:

با استفاده از پایان آن (it's Ending)
محل قرار گیری آن (Position)
وظیفه (کارکرد) آن (Functions)

- پایان اسمها (**Noun Endings**)

چندین مورد پایان مشخص برای کلمه وجود دارد که نشان دهنده اسم بودن آن لغت است.

ity > nationality
ment > management
ness > happiness
ation > relation
hood > childhood

البته این حالت پایانی برای تمامی حروف پایانی صحیح نیست به عنوان مثال: : spoonful با ful تمام می شود در حالی که صفت careful نیز چنین است.

- محل قرار گیری اسمها (**Position in Sentence**)

در اغلب موارد می توان از روی موقعیتی که یک اسم در جمله دارد آن را تشخیص داد.

اسمها معمولا بعد از یک صفت اشاره (determiner) می آیند، صفت اشاره مثل : this, that, ,a, an such, my و...

a relief
an afternoon
the doctor
this word
my house

such stupidity

اسمها معمولا بعد از یک و یا چند صفت می آیند:

a great relief
a peaceful afternoon
the tall, Indian doctor
this difficult word
my brown and white house [my brown white house]
such crass stupidity

- وظیفه اسم (**Functions**)

اسمها وظیفه مشخصی در جمله دارند:

subject of verb : Doctors work hard.
object of verb : He likes coffee.
subject and object of verb : teachers teach students.

همیشه فاعل (subject) و هدف (object) در جمله ها اسم نیستند. بلکه می توانند ضمیر(pronoun) و یا عبارت (phrase) باشند. phrase به گروهی از کلمات می گویند که معنای واحدی داشته باشند. مانند : run down که یک phrasal verb است. در جمله : My doctor works hard ، اسم : doctor ولی فاعل My doctor می باشد.

اسمهای شمارا و غیر قابل شمارا

(**Countable Nouns, Uncountable Nouns**):

در زبان انگلیسی اسامی را اغلب در قالب اسامی شمارا و غیر قابل شمارا تعریف می کنند.

- اسمهای شمارا:

اسامی شمارا به آسانی قابل شناسایی هستند. آنها چیزهایی هستند که می توانیم آنها را بشماریم، مانند خودکار. ما می توانیم خودکار را بشمریم، می توانیم یک ، دو و یا چندین خودکار داشته باشیم. در زیر چند اسم شمارا را مشاهده می کنید:

dog, cat, animal, man, person
bottle, box, liter
coin, note, dollar
cup, plate, folk
table, chair, suitcase, bag

اسمهای شمارا هم می توانند مفرد(singular) و هم جمع(plural) باشند:

My dog is playing.
My dogs are hungry.

برای اسامی شمارا می توانیم از حروف نکره a و an استفاده کنیم. (indefinite article)

A dog is an animal.

هنگامی که اسمی شمارا به صورت مفرد به کار می رود حتما باید همراه آن یک کلمه مثل : a, the, my, this و.. بیاید.

I want an orange. (not I want orange)

Where is my bottle? (not where is bottle)

ولی هنگامی که اسمی شمارا به صورت جمع به کار رود نیازی به کلمات فوق نبوده و به تنهایی قابل استفاده است:

I like oranges.
Bottles can break.

همراه با اسمهای شمارا می توانیم از some و یا any نیز استفاده نماییم:

I've got some dollars.
Have you got any pen?

علاوه بر این می توانیم از a few و یا many نیز همراه با اسم های شمارا استفاده کنیم:

I've got a few dollars.
I haven't got many pens.

نکته : people به معنای مردم یک اسم شماراست. و حالت جمع لغت person می باشد. ما می توانیم مردم را بشماریم:

There is one person here.
There is three people here.

- اسمهای غیر قابل شمارا:

اسمهای غیر قابل شمارا می توانند یک نوع ماده، مفهوم و یا هر چیز دیگری باشند که نتوانیم آن را به بخشهای مجزا تقسیم کنیم (نتوانیم آن ها را بشماریم). به عنوان مثال ما شیر (milk) را نمی توانیم بشماریم. ولی بطری ها شیر (bottles of milk) قابل شماراست. در زیر به چند مثال از اسامی غیر قابل شمارا دقت کنید:

music, art, love, happiness.
advice, information, news.
furniture, luggage.
rice, sugar, butter, water.
electricity, gas, power.
money, currency.

معمولا با اسمهای غیر قابل شمارا مانند اسم های مفرد رفتار می نماییم. از فعل مفرد نیز استفاده می کنیم:

This news is very important.
your luggage looks heavy.

برای اسمهای غیر قابل شمارا معمولا از حروف نکره a و an استفاده نمی کنیم. به عنوان مثال نمی توانیم بگوییم : "an information" یا " a news" ولی می توانیم از حالت a something of استفاده کنیم مثل:

a piece of news.
a bottle of water.
a grain of rice.

some و any را می توانیم همراه با اسامی غیر قابل شمارا استفاده کنیم.

I've got some money.
Have you got any rice?

از a little و much نیز می توان همراه با اسمهای غیر قابل شمارا استفاده کرد:

I've got a little money.

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

I haven't got much rice.

نکته : به اسمهای غیر قابل شمارا mass nouns (اسمهای جمعی) نیز گفته می شود.

- اسمهایی که می توانند هم شمارا و هم غیر قابل شمارا باشند:

گاهی اوقات یک اسم هم می تواند شمارا و هم غیر قابل شمارا باشد. البته گاها با تغییری در معنی.

Countable		**Uncountable**
There are two hairs in my coffee!	hair	I don't have much hair.
There are two lights in our bedroom.	light	Close the curtain. There's too much light!
Shhhhh! I thought I heard a noise.	noise	It's difficult to work when there is too much noise.
Have you got a paper to read? (= newspaper)	paper	I want to draw a picture. Have you got some paper?
Our house has seven rooms.	room	Is there room for me to sit here?
We had a great time at the party.	time	Have you got time for a coffee?
Macbeth is one of Shakespeare's greatest works.	work	I have no money. I need work!

نکته : نوشیدنیها (آب، قهوه و...) معمولا غیر قابل شمارا هستند ولی اگر داریم به یک لیوان و یا فنجانی نوشیدنی فکر می کنیم می توانیم بگوییم (مثلا در رستوران)

Two teas and one coffee please.

اسمهای مشخص (Proper Nouns) :

یک اسم مشخص (proper noun) کلمه ای (نامی) است که ما برای صحبت در مورد یک شخص، مکان، سازمان و ... به کار می بریم مثل : John، Marie، London، Sony . توجه داشته باشید که هر نامی اسم نیز هست ولی فقط اسمهای خاصی هستند که اسم مشخصند. اسمهای مشخص قاعده خاصی دارند:

common noun	**proper noun**
man, boy	John
woman, girl	Mary
country, town	England, London
company	Ford, Sony
shop, restaurant	Maceys, McDonalds
month, day of the week	January, Sunday
book, film	War & Peace, Titanic

- به کارگیری حروف بزرگ برای اسمهای مشخص:

همیشه حرف اول اسمهای مشخص را با حرف بزگ می نویسیم. و این شامل اسم اشخاص، اماکن، کمپانی ها، روزهای هفته و ماهها می باشد. به مثالهای زیر توجه کنید:

They like **J**ohn.

I live in **E**ngland.
She works for **S**ony.
The last day in **J**anuary is a **M**onday.
We saw **T**itanic in the **O**deon **C**inema

- اسمهای مشخص بدون **The**:

برای نام اشخاص از حرف تعریف The استفاده نمی کنیم. به عنوان مثال:

first names	Bill (*not* *the Bill)
	Hilary
surnames	Clinton
	Gates
full names	Hilary Gates

به طور معمول برای نام کمپانی ها نیازی به The نیست :

Renault, Ford, Sony, EnglishClub.com
General Motors, Air France, British Airways
Warner Brothers, Brown & Son Ltd

برای مغازه ها، هتل ها و در کل مکانهایی که مطعلق به شخصی هستند چنانچه با اسم شخص بیایند نیازی به The نیست:

shops	Harrods, Marks & Spencer, Maceys
banks	Barclays Bank
hotels, restaurants	Steve's Hotel, Joe's Café, McDonalds
churches, cathedrals	St John's Church, St Peter's Cathedral

معمولا برای اسم مکان ها نیز نیازی به The نمی باشد.

towns	Washington (not *the Washington), Paris, Tokyo
states, regions	Texas, Kent, Eastern Europe
countries	England, Italy, Brazil
continents	Asia, Europe, North America
islands	Corsica
mountains	Everest

استثناء : درصورتی که نام کشوری دارای یکی از کلمات State, Kingdom و یا Republic باشد، آن را با the بکار می بریم:

states	the United States, the US, the United States of America, the USA
kingdom	the United Kingdom, the UK
republic	the French Republic

چنانچه قبل از نام یکی از لغات President, Doctor, Mr و.... قرار گیرد از The استفاده نمی کنیم.

the president, the king	President Bush (not *the President Bush)
the captain, the detective	Captain Kirk, Detective Colombo
the doctor, the professor	Doctor Well, Dr Well, Professor Dolittle
my uncle, your aunt	Uncle Jack, Aunt Jill
	Mr Gates (not *the Mr Gates), Mrs Clinton, Miss Black

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

به مثالهای زیر توجه کنید:

I wanted to speak to the doctor.
I wanted to speak to doctor Brown.
Who was the president before president Kennedy.

در حالتی که Lake و یا Mount همراه با اسم دریاچه و یا کوه بیاید نیز نباید ،The را به کار برد.

the lake	Lake Victoria
the mount	Mount Everest

به جمله زیر توجه کنید:

We live beside Lake Victoria. We have a fantastic view across the lake.

به طور معمول برای جاده ها، خیابانها، میادین، چهار راه ها، پارکها و... نیز نباید از The استفاده کرد.

streets etc	Oxford Street, Trenholme Road, Fifth Avenue
squares etc	Trafalgar Square, Oundle Place, Piccadilly Circus
parks etc	Central Park, Kew Gardens

اسم ساختمانها و اماکن خیلی مهم معمولا از دو و یا چند کلمه تشکیل شده است مثل Kennedy Airport چنانچه کلمه اول نام شخص و یا مکانی باشد، در این صورت نیز حرف The را به کار نمی بریم.

people	Kennedy Airport, Alexander Palace, St Paul's Cathedral
places	Heathrow Airport, Waterloo Station, Edinburgh Castle

- اسمهای مشخص با **The**:

معمولا برای اسامی کشورهایی که نامشان شامل کلماتی از قبیل State, Kingdom, Republic و... می شود، از The نیز استفاده می کنیم.

States	the United States of America/the USA
Kingdom	the United Kingdom/the UK
Republic	the French Republic

معمولا برای اسم آبراهها (canals)، رودخانه ها، کوهها، دریاها و اقیانوسها نیز از The استفاده می کنیم:

canals	the Suez Canal
rivers	the River Nile, the Nile
seas	the Mediterranean Sea, the Mediterranean
oceans	the Pacific Ocean, the Pacific

معمولا برای اسامی جمع اشخاص و اماکن نیز از The استفاده می کنیم:

people (families, for example)	the Clintons
countries	the Philippines, the United States
island groups	the Virgin Islands, the British Isles
mountain ranges	the Himalayas, the Alps

به جملات زیر توجه کنید:

I saw the Clintons today, It was Bill's birthday.
Trinidad is the largest island in the West Indies.
Mount Everest is in the Himalaya.

به طور معمول برای انواع اسمهای زیر نیز از The استفاده می کنیم:

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

hotels, restaurants	the Ritz Hotel, the Peking Restaurant
banks	the National Westminster Bank
cinemas, theatres	the Royal Theatre, the ABC Cinema
museums	the British Museum, the National Gallery
buildings	the White House, the Crystal Palace
newspapers	the Daily Telegraph, the Sunday Post
organisations	the United Nations, the BBC, the European Union

معمولا برای اسمهایی که با of درست می شوند نیز از The استفاده می کنیم:

The Tower of London.
The Gulf of Fars.
The London School of Economics.
The Bank of France.
The Statue of Liberty.

ملکي یا مضاف الیه (حالتي که تعلق داشتن به شخص یا چیزی را می رساند).

(Possessive 's). :

هنگامی که می خواهیم نشاندهیم که چیزی به شخص و یا چیز دیگری تعلق دارد، چنانچه اسم مفرد بود به انتهای آن علامت " 's " و چنانچه اسم جمع بود تنها علامت " ' " را می افزاییم. به عنوان مثال:

the boy's ball. (one boy)
the boys' ball. (two or more boys)

	one ball	more than one ball
one boy	the boy's ball	the boy's balls
more than one boy	the boys' ball	the boys' balls

این نحوه مالکیت علاوه بر یک اسم می تواند برای یک عبارت نیز بکار رود:

The man next door's mother (The mother of the man next door)
The Queen of England's dogs.

اگر چه برای مالکیت از of نیز می شود استفاده کرد ولی به کاربردن آپستروف اس " 's " معمول تر است.

The books of my sister.
My sister's book.

اسم های مشخص (نام ها)

در بیشتر مواقع از 's برای اسمها استفاده می کنیم:

This is Mary's car.
Where is Ram's telephone?
Who took Anthony's pen?
I like Tara's hair.

هنگامی که نامی با s ختم می شود معمولا با آن مثل یک اسم مفرد رفتار می کنیم:

This is Charles's chair.

البته این امکان نیز وجود دارد که تنها یک آپستروف " ' " اضافه کنیم. (معمولا برای اسامی قدیمی و معروف این حالت به کار می رود.)

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

Who was Jesus' father?

اسمهای جمع بی قائده :

برای نشان دادن مالکیت اسمهای بی قائده معمولا با استفاده از آپستروف اس " 's " این کار را می کنیم:

singular noun	plural noun
my child's dog	my children's dog
the man's work	the men's work
the mouse's cage	the mice's cage
a person's clothes	people's clothes

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی



صفتها (Adjectives):

صفت کلمه ای است که اطلاعات بیشتری در مورد اسم به ما می دهد. صفت می تواند قبل از اسم به کار گرفته شود مثل : I like Chinese food و یا بعد از برخی افعال : It is hard. نکته اینکه می توانیم بیش از یک صفت را برای یک اسم به کار ببریم: A beautiful young French lady

نکته : به صفت ، گاها دشمن اسم نیز می گویند چرا که هنگامی که از اسمهای دقیق (اسمهایی که خود همه اطلاعات لازم را در بر دارند) استفاده می کنیم دیگر نیازی به صفت نداریم. به عنوان مثال به جای گفتن A large Impressive, house می توانیم بگوییم : A mansion.

صفات اشاره یا محدود کننده (Determiners):

صفات اشاره کلماتی هستند از قبیل: the, an, my, some. از لحاظ گرامر مانند هم هستند، تمامی آنها در ابتدای یک اسم یا عبارت اسمی می آیند. به طور معمول برای هر اسم یا عبارت اسمی فقط یک صفت اشاره می توان به کار برد.

حروف تعریف (Article)

the ,a, an

صفات ملکی (بیانگر مالکیت) یا (Possessive Adjectives)

their ,my, you, his, her, our

سایر صفات اشاره:

every ,each

neither ,either

no ,any, some

most ,much, many, more

least ,little, less

fewest ,few, fewer

whichever ,what, whatever, which

all ,both, half

several

enough

- حروف تعریف A،An ویا The

تعریف : محدود کننده (Determiner) به صفاتی گفته می شود که یک اسم را محدود می کنند.

تعریف فوق به زبان اصلی : (Determiners are adjective or modifier that limits a noun).

چه موقع باید بگوییم a dog و کی باید بگوییم the dog؟ به a, an و the حروف تعریف (articles) می گویند. آنها را به دو گروه معین یا معرفه (definite) و غیر معین یا نکره (Indefinite) تقسیم بندی می کنیم.

Articles	
Definite	Indefinite
the	a, an

وقتی داریم در مورد یک چیز خاص صحبت می کنیم ، The را به کار می بریم و وقتی در مورد یک چیز به طور عمومی صحبت می کنیم a و یا an را به کار می گیریم.
به عنوان مثال آسمان را در شب در نظر بگیرید. در آسمان یک ماه و میلیونها ستاره وجود دارد. بنابر این به طور معمول می گوییم:

I saw the moon last night.
I saw a star last night.

به مثالهای زیر توجه کنید:

the	a, an
The capital of France is Paris.	I was born in a town.
I have found the book that I lost.	John had an omelette for lunch.
Have you cleaned the car?	James Bond ordered a drink.
There are six eggs in the fridge.	We want to buy an umbrella.
Please switch off the TV when you finish.	Have you got a pen?

توجه داشته باشید که خیلی مواقع the, a و an را برای کلمات مشابهی به کار می بریم. و اینکه از کدام حرف تعریف برای کلمه مورد نظر استفاده کنیم به وضعیت و موقعیت کلمه بستگی دارد و نه خود کلمه. به مثال زیر توجه کنید:

We want to buy an umbrella. (هر چتری، چتر خاصی را در نظر نداریم)
Where is the umbrella ? (ما یک چتر داریم و به دنبال آن می گردیم)

داستان کوتاه زیر را بخوانید، این داستان به شما در درک مفهوم بکارگیری the, a و an کمک خواهد کرد:

A man and a woman were walking in Oxford Street. The woman saw a dress that she liked in a shop. She asked the man if he could buy the dress for her. He said: "Do you think the shop will accept a cheque? I don't have a credit card."

• Every و Each

each و every معانی مشابهی دارند البته در برخی مواقع با اندکی تفاوت. each به معنای هرکس یا هر چیز به طور جداگانه است ولی every به معنای همه کس و همه چیز (یکجا) می باشد.
به مثال های زیر توجه کنید:

Every artist is sensitive.
Each artist sees things differently.
Every soldier saluted as the President arrived.
The President gave each soldier a medal.

each می تواند قبل از فعل به کار رود:

The soldiers each received a medal.

each می تواند به همراه of به کار رود:

The president spoke to each of the soldiers.
He gave a medal to each of them.

every را نمی توان برای دوچیز به کار برد. برای دو چیز باید از each استفاده کرد:

He was carrying a suitcase in each hand.

every را به کار می بریم که بگوییم یک رویداد چقدر اتفاق می افتد:

There is a plane to Bangkog every day.
The bus leaves every hour.

نکته : افعالی که با each و every به کار می روند، همیشه در حالت مفرد صرف می شوند.

• Any و Some

Some = یک کم، عدد کوچک و یا مقدار کم.

Any = یکی، یک کم و یا همه.

معمولا از Some در جملات مثبت و از Any در جملات منفی و سؤالی استفاده می کنیم.

	some	any	example situation
+	I have some money.		I have $10.
-		I don't have any money.	I don't have $1 and I don't have $10 and I don't have $1,000,000. I have $0.
?		Do you have any money?	Do you have $1 or $10 or $1,000,000?

نکته: در کل از Something\Anything و Somebody\Anybody مانند Some و Any استفاده می کنیم. (منظور به کار بردن در جملات منفی، مثبت و سوالی است.)

به مثالهای زیر توجه کنید:

He needs some stamps.
I must go. I have some homework to do.
I'm thirsty. I want something to drink.
I can see somebody coming.
He doesn't need any stamps.
I can stay. I don't have any homework to do.
I'm not thirsty. I don't want anything to drink.
I can't see anybody coming.
Does he need any stamps?
Do you have any homework to do?
Do you want anything to drink?
Can you see anybody coming?

از Any تنها وقتی در جملات مثبت استفاده می کنیم که معنای کل جمله منفی باشد:

I refused to give them any money. (I did not give them any money)

She finished the test without any difficulty. (She did not have any difficulty)

برخی اوقات از Some در جملات سوالی نیز استفاده می کنیم. البته تنها هنگامی که انتظار جواب مثبتی را از مخاطبمان داریم:(می توان گفت که جمله یک جمله واقعا سوالی نیست چرا که فکر می کنیم جواب را میدانیم)

Would you like some more tea?

Could I have some sugar please?

ترتیب صفات (Adjective orders) :

برای صفتها دو مکان اصلی و پایه در جمله وجود دارد:

۱- قبل از اسم.

۲- بعد از افعال اصلی.

		adj.	noun	verb	adj.
1	I like	big	cars.		
2			My car	is	big.

- ## صفت قبل از اسم: (Adjective before nouns)

گاهی اوقات چندین صفت را قبل از یک اسم به کار می بریم:

I like big black dogs.

She was wearing a beautiful long red dress.

ترتیب صحیح قرارگیری صفتها قبل از اسم چیست؟

درکل ترتیب چنین است: ۱- نظر و عقیده (مانند زیبا، زشت و ...) ۲- حقیقت (مانند قرمز، آلمانی و ...)

۱- نظر و عقیده (Opinion):

She has a nice French car.

۲- حقیقت (Fact):

She has a nice French car.

چنانچه چند صفت حقیقی داشته باشیم ترتیب صفات بدین گونه خواهد بود:

اندازه (size) ، طول عمر (age) ، شکل (shape) ، رنگ (color) ، جنسیت (material) و اصلیت (origin):

A big, old, square, brown, wooden Chinese table.

صفات اشاره (محدود کننده) معمولا قبل از سایر صفات به کار می روند حتی اگر حقیقی باشند. در زیر صفات اشاره را مشاهده می کنید:

صفات حرف تعریف (article adjectives) :

A , The

صفات ملکی (possessive adjectives) :

my, your,....

صفات اشاره (demonstrative adjectives)

this, that

صفات کمّی (quantifier adjectives)

some, any, few, many

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

اعداد (numbers)

one, two,...

به مثال زیر که هم صفت اشاره دارد و هم صفات نظری و حقیقی توجه کنید:

adjectives					noun
deter-miner	opinion	fact			
		age	shape	colour	
two	nice	old	round	red	candles

هنگامی که می خواهیم دو صفت رنگ را با هم به کار ببریم آن ها را با and به هم وصل می کنیم:

Many newspapers are black and white.

She was wearing a long blue an yellow dress.

نکته : ترتیب صفاتی که ذکر شد یک ترتیب کلی بود ولی همیشگی نیست، برخی مواقع شما برای نشان دادن تأکید بیشتر می توانید جای آنها را تغییر دهید. به دو مکالمه زیر توجه کنید:

مکالمه اوّل:

A: " I want to buy a round table. "

B: " Do you want a new round table or an old round table? "

مکالمه دوّم:

A: " I want to buy an old table. "

B: " Do you want a round old table or a square old table? "

- صفت بعد از فعل (**verbs Adjective after certain**)

به مثال های زیر توجه کنید:

فاعل + فعل + صفت:(subject+ verb + adjective)

Ram is English.

Because she had to wait, she became impatient.

Is it getting dark?

The examination did not seem difficult.

Your friend looks nice.

This towel feels damp.

That new film doesn't sound very interesting.

Dinner smells good tonight.

This milk tastes sour.

صفات مقایسه ای (**Comparative Adjectives**) :

وقتی درمورد دو چیز صحبت می کنیم، می توانیم آنها را با یکدیگر مقایسه کنیم. از صفات مقایسه ای برای بیان تفاوتهای دو چیز استفاده می کنیم.

نکته: تنها برای مقایسه دو چیز می توان از صفات مقایسه ای استفاده کرد نه بیشتر.

در مثال زیر bigger شکل مقایسه ای صفت big می باشد.

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی



- ساخت صفت مقایسه ای :

دو راه برای ساخت صفت مقایسه ای وجود دارد:

صفات کوتاه (adjectives short): طریقه ساخت با افزودن er به آخر صفت.

صفات بلند (adjectives long) : طریقه ساخت با بکار بردن more.

Short adjectives	
old, fast	صفات یک بخشی (تک سیلابی)
happy, easy	صفات دو بخشی (دو سیلابی) که به y ختم می شوند.
old > older	قانون طبیعی : افزودن er به آخر صفت.
late > later	تغییر : چنانچه صفت به e ختم می شد کافیست به انتهای آن r بیافزاییم.
big > bigger	تغییر: چنانچه سه حرف آخر صفت به ترتیب حرف بی صدا، صدادار و بی صدا بود، حرف بی صدای آخر را دوبار تکرار می کنیم.
happy > happier	تغییر: اگر صفت به y ختم شد، y را به i تبدیل می کنیم.
Long adjectives	
modern, pleasant	صفات دوسیلابی که به y ختم نمی شوند.
expensive, intellectual	تمام صفتهای سه سیلابی و یا بیشتر.
modern > more modern expensive > more expensive	قانون طبیعی : به کارگیری more.

استثناء : در تبدیل صفات زیر به صفت مقایسه ای از قانون خاصی پیروی نمی شود:

good ≡> better
well (healthy) ≡> better
bad ≡> worse
far ≡> farther/further

نکته: برای برخی از صفات دوسیلابی که به y نیز ختم نمی شوند می توان er و یا more را به کاربرد:

quiet ≡> quieter/more quiet
clever ≡> cleverer/more clever
narrow ≡> narrower/more narrow
simple ≡> simpler/more simple

- طرز به کارگیری صفات مقایسه ای:

ما فقط و فقط هنگامی از صفات مقایسه ای استفاده می کنیم که داریم از دو چیز صحبت می کنیم (نه سه و یا بیشتر).

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

در اغلب موارد صفات مقایسه ای (comparative adjectives) با then همراه هستند، به مثالهای زیر توجه کنید:

John is 1.80meter. He is tall. But Chris is 1.85meter. He is taller than John.
America is big. But Russia is bigger.
I want to have a more powerful computer.
Is French more difficult than English?

اگر درباره دو سیاره زمین و مریخ صحبت می کنیم، می توانیم آنها را به طوری که در جدول زیر نشان داده شده مقایسه کنیم:

	Earth	**Mars**	
Diameter (km)	12,760	6,790	Mars is smaller than Earth.
Distance from Sun (million km)	150	228	Mars is more distant from the Sun.
Length of day (hours)	24	25	A day on Mars is slightly longer than a day on Earth.
Moons	1	2	Mars has more moons than Earth.
Surface temperature (°C)	22	-23	Mars is colder than Earth.

نکته: درست است که ما هنگام استفاده از صفات مقایسه ای تنها دوچیز را با یکدیگر مقایسه می کنیم ، اما همین دو چیز می تواند دو گروه (که هر گروه می تواند شامل تعداد زیادی عنصر باشد) باشند مانند:
در این مثال کوه اورست با سایر کوههای دنیا مقایسه می شود. یعنی یک چیز با یک گروه.

Mt Everest is higher than all other mountains.

صفات برتر (Superlative Adjectives)

صفت برتر بیانگر بالاترین و یا بهترین کیفیت می باشد. از این صفت برای نشان دادن بهترین بودن یک چیز در بین گروهی از چیزها می باشد.
در مثال زیر biggest شکل برتر صفت big می باشد:



A is the biggest.

- طریقه ساخت صفت برتر:

همانند ساخت صفات مقایسه ای دو راه برای ساخت صفت برتر وجود دارد:
صفات کوتاه (short adjectives) : طریقه ساخت =≤ افزودن est به انتهای صفت.
صفات بلند (long adjectives) : طریقه ساخت =≤ به کارگیری most.
معمولا قبل از صفت نیز the را اضافه می کنیم:

Short adjectives	
old, fast	صفات یک بخشی (تک سیلابی)
happy, easy	صفات دو بخشی (دو سیلابی) که به y ختم می شوند.
old > the oldest	قانون طبیعی : افزودن est به آخر صفت.
late > the latest	تغییر : چنانچه صفت به e ختم می شد کافیست به انتهای آن st بیافزاییم.
big > the biggest	تغییر: چنانچه سه حرف آخر صفت به ترتیب حرف بی صدا، صدادار و بی صدا بود، حرف بی صدای آخر را دوبار تکرار می کنیم.
happy > the happiest	تغییر: اگر صفت به y ختم شد، y را به i تبدیل می کنیم.
Long adjectives	
modern, pleasant	صفات دوسیلابی که به y ختم نمی شوند.
expensive, intellectual	تمام صفتهای سه سیلابی و یا بیشتر.
modern > the most modern expensive > the most expensive	قانون طبیعی : به کارگیری most.

نکته: برای برخی از صفات دوسیلابی که به y نیز ختم نمی شوند می توان est و یا most را به کاربرد:

quiet ≡> the quietest/most quiet
clever ≡> the cleverest/most clever
narrow ≡> the narrowest/most narrow
simple ≡> the simplest/most simple

استثناء : در تبدیل صفات زیر به صفت مقایسه ای از قانون خاصی پیروی نمی شود:

good ≡> the best
bad ≡> the worst
far ≡> the furthest

- طرز استفاده از صفات برتر:

ما از صفت برتر برای بیان یک چیز در یک گروهی از سه چیز و یا بیشتر استفاده می کنیم. به مثالهای زیر توجه کنید:

John is 1.75meter. David is 1.80meter. Chris is 1.85meter. Chris is the tallest.
Canada, China and Russia are big countries. But Russia is the biggest.
Mount Everest is the highest mountain in the world.

چنانچه داریم درباره سه سیاره زمین (earth)، مریخ (mars) و مشتری (jupiter) صحبت می کنیم، می توانیم صفات برتر را آنگونه که درجدول زیر نشان داده شده به کار ببندیم:

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

	Earth	Mars	Jupiter	
Dia-meter (km)	12,760	6,790	142,800	Jupiter is the biggest.
Dis-tance from Sun (million km)	150	228	778	Jupiter is the most distant from the Sun.
Length of day (hours)	24	25	10	Jupiter has the shortest day.
Moons	1	2	16	Jupiter has the most moons.
Surface temp. (°C)	22	-23	-150	Jupiter is the coldest.

نکته: هنگامی که داریم یک چیز را با خودش مقایسه می کنیم دیگر نباید از the استفاده کنیم:

England is coldest in winter. (not the coldest)

My boss is most generous when we get a big order. (not the most generous)

www.EnglishPro.ir زبان پژوه- مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی



ضمیرها (Pronouns):

ضمیر کلمه کوچکی است که در جمله به جای اسم به کار می رود (به اسم مورد نظر ما اشاره می کند).

ضمیرها کلماتی هستند مانند : he, you, ours, themselves, some, each , etc

اگر در قوائد زبان ضمیر وجود نمیداشت آنگاه مجبور بودیم در صحبت های خود اسامی را پی در پی تکرار کنیم.

به مثال زیر توجه کنید، در این مثال فرض بر آن بوده که ضمیر وجود ندارد:

Do you like the president? I don't like the president. The president is too pompous.

در صورتی که با وجود ضمیر ها می توانیم بگوییم:

Do you like the president? I don't like him. He is too pompous.

ضمیرهای شخصی (Personal Pronouns):

در جدول زیر لیست ضمایر شخصی را مشاهده می کنید. در این جدول صفات ملکی نیز آورده شده است (برای سهولت در یادگیری) تا آنها را با ضمایرشخصی مقایسه کنید.

کلمات مورد استفاده در این جدول:

pronouns = ضمیر ها

number = تعداد

person = شخص (منظور همان اوّل شخص و دوّم شخص و... می باشد)

gender = جنسیت

subject = فاعل یا کننده کار

object = شیء

possessive = ملکی

reflexive = اشاره کننده به فاعل یا همان subject

possessive adjectives = صفات ملکی

m = منظور مذکر یا همان male

f = منظور مؤنث یا همان female

number	person	gender*	pronouns				possessive adjectives
			subject	object	possessive	reflexive	
singular	1st	m/f	I	me	mine	myself	my
	2nd	m/f	you	you	yours	yourself	your
	3rd	m	he	him	his	himself	his
		f	she	her	hers	herself	her
		n	it	it	its	itself	its
plural	1st	m/f	we	us	ours	ourselves	our
	2nd	m/f	you	you	yours	yourselves	your
	3rd	m/f/n	they	them	theirs	themselves	their

به مثالهای زیر توجه کنید:

pronoun	subject	She likes homework.
	object	The teacher gave me some homework.
	possessive	This homework is yours.
	reflexive	John did the homework himself.
possessive adjective		The teacher corrected our homework.

www.EnglishPro.ir زبان پژوه-مرجع تخصصی آموزش زبان انگلیسی

حروف اضافه

لیست حروف اضافه (Propositions list):

تعریف: proposition به بخشی از صحبت گفته می شود که برای برقراری ارتباط بین دو کلمه به کار می رود.

در زبان انگلیسی حدود ۱۵۰ حرف اضافه وجود دارد. که البته در مقایسه با تعداد اسمها یا فعلها مقدار ناچیزی به نظر می رسد. حروف اضافه کلمات مهمی هستند. ما از حروف اضافه مفرد بیشتر از هر کلمه مفرد دیگر در جملات استفاده می کنیم. در حقیقت حروف اضافه of، to و in جزء ده کلمه پر کاربرد در زبان انگلیسی هستند. در زیر لیستی از حروف اضافه معمول و تکی کلمه ای را مشاهده می کنید. توجه داشته باشید که بسیاری از این حروف اضافه دارای معانی مختلفی هستند. لطفا برای پی بردن به معنا و کاربرد دقیق هریک به دیکشنری مراجعه نمایید:

aboard
about
above
across
after
against
along
amid
among
anti
around
as
at
before
behind
below
beneath
beside
besides
between
beyond
but
by
concerning
considering
despite
down
during
except
excepting
excluding
following
for
from
in
inside
into
like
minus
near
of
off
on
onto
opposite
outside
over
past
per
plus
regarding
round
save
since
than
through
to
toward
towards
under
underneath
unlike
until
up
upon
versus
via
with
within
without

معنی فعل‌ها در زمان‌های استمراری

معنی فعل ها در زمانهای استمراری :

چند فعل وجود دارد که به طور معمول با زمانهای استمراری به کار نمی روند، افعال دیگری نیز وجود دارند که وقتی در زمان های ساده به کار می روند یک معنی و هنگامی که در زمانهای استمراری به کار برده می شوند معنای دیگری میدهند.

افعالی که در زمانهای استمراری به کار برده نمی شوند:

برخی از افعال هستند که معمولا آنها را در زمانهای استمراری به کار نمی بریم. کلماتی را که در زیر مشاهده می کنید معمولا در زمانهای ساده مورد استفاده قرار می گیرند و نه استمراری:

hate, like, love, need, prefer, want, wish
believe, imagine, know, mean, realize, recognize, remember, suppose, understand
belong, concern, consist, contain, depend, involve, matter, need, owe, own, possess
appear, resemble, seem,
hear, see

به چند مثال توجه کنید:

I want a coffee.	not I am wanting a coffee.
I don't believe you are right.	not I am not believing you are right.
Does this pen belong to you?	not Is this pen belonging to you?
It seemed wrong.	not It was seeming wrong.
I don't hear anything.	not I am not hearing anything.

توجه داشته باشید که معمولا افعال see و یا hear را با فعل can به کار می بریم.

I can see someone in the distance. (not I am seeing someone in the distance)
I can't hear you very well. (not I am not hearing you very well)

افعالی با دو معنای مختلف:

بعضی از افعال هستند که دارای دو معنا و مفهوم متفاوتند که از یک معنای آنها فقط و فقط در زمانهای ساده می توانیم استفاده کنیم ولی معنای دیگر هم در زمانهای ساده و هم در زمانهای استمراری قابل استفاده اند.

به عنوان مثال فعل to think دارای دو معنای مختلف است:

I think Ricky Martin is sexy.
I am thinking about my homework.

در مثال اول فعلto think به معنای "اعتقاد داشتن، باور داشتن و یا نظر دادن" می باشد.

در مثال دوم فعل to think به معنای "فکر کردن" است.

به معنای فعل to think در مثال اول که بیانگر هیچ عمل ویا فعالیتی نیست، stative و یا وضعیتی می‌گوییم.
به معنای فعل to think در مثال دوم کمه القا کننده عمل و یا فعالیتی است ، dynamic و یا متحرک گوییم.
هنگامی که می خواهیم مفهومی وضعیتی را بیان کنیم از زمانهای ساده استفاده می نماییم، ولی برای بیان مفاهیم عملیاتی و یا فعالیتی، می توانیم هم از زمانهای ساده و هم زمانهای استمراری استفاده کنیم (بسته به موقعیت)
به مثال های زیر توجه کنید:

Stative sense (no real action)	Dynamic sense (a kind of action)	
Simple only	Continuous	Simple
I think she is beautiful.	Be quiet. I'm thinking.	I will think about this problem tomorrow.
I don't consider that he is the right man for the job.	We are considering your job application and will give you our answer in a few days.	We consider every job application very carefully.
This table measures 4 x 6 feet.	She is measuring the room for a new carpet.	A good carpenter measures his wood carefully.
Does the wine taste good?	I was tasting the wine when I dropped the glass.	I always taste wine before I drink it.
Mary has three children.	Please phone later. We are having dinner now.	We have dinner at 8pm every day.

فعل **be** و زمانهای استمراری:

فعل be هم می تواند فعل کمکی باشد (Mary is learning English) و هم می تواند فعل اصلی باشد(Mary is French) در اینجا نگاهی خواهیم داشت به فعل be ، به عنوان فعل اصلی:
معمولا در زمانهای ساده فعل be را به عنوان فعل اصلی به کار می بریم. به طور مثال می گوییم:
London is the capital of UK. (not London is being the capital of UK)
Is she beautiful? (not Is she being beautiful?)
Were you late? (not Were you being late?)
بعضی اوقات می توانیم فعل be را با زمانهای استمراری نیز به کار ببریم . این موقعی است که مفهوم واقعی فعل be عمل، رفتار و یا کاری باشد (behave or act) .
مثال های موجود در جدول زیر را با یکدیگر مقایسه کنید:

Mary is a careful person. (Mary is always careful - it's her nature.)	John is being careful. (John is acting carefully now, but maybe he is not always careful - we don't know.)
Is he always so stupid? (Is that his personality?)	They were being really stupid. (They were behaving really stupidly at that moment.)
Andrew is not usually selfish. (It is not Andrew's character to be selfish.)	Why is he being so selfish? (Why is he acting so selfishly at the moment?)

در زیر ساختار فعل be را برای زمان حال استمراری مشاهده می کنید:

I am being
You are being
He, she, it is being
We are being
They are being

دقت کنید که ما بین "to be sick" و"to be being sick" تفاوت قایلیم.

She is sick. (او الان حالش خوب نیست)

She is being sick. (او داره مریض میشه)